

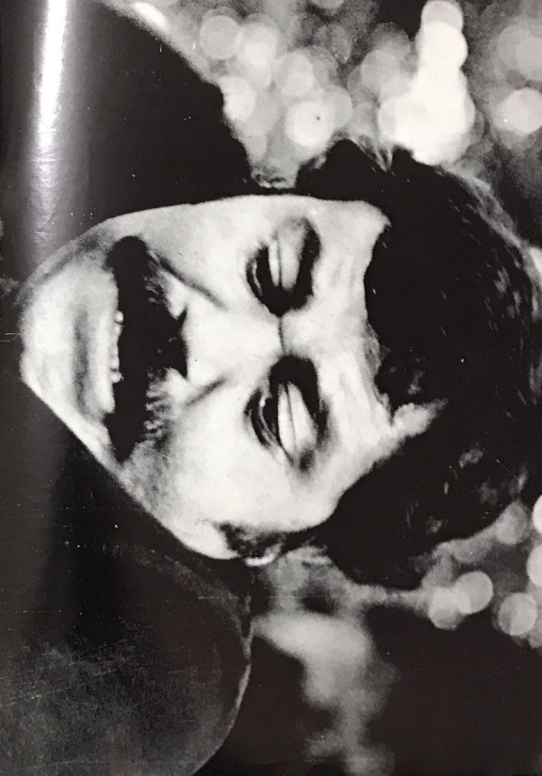
# فیلم و هنر

شماره ۳۸۵ - ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۱ - با دوتابلوی رنگی از : راکوتل وئس - هیاون - ۱۵ ریال

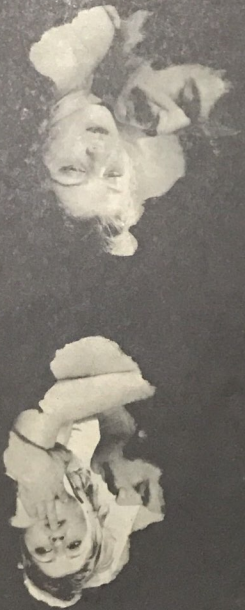


ناصره لشکرعلی و فروزان، خاطر خواه

فیلم پستی و منتقدین اروپایی... آخرین خبرها و کاملترین گزارش‌ها از سینمای ایران



وقتی تهنای نبود ، درد نبود ، غصه نبود **تپهلی** میخندید... وقتی شادی میرفت ، خنده میرفت **تپهلی** میگریست  
**تپهلی** روزهای از دست رفته شادی چه در دناات است **تپهلی** صورتی بسیرت مردم چه و حشتناات است . آدمی غمبختخوره  
که عشق و مهنوقه کجاست ؟ یار کو ؟ دوست کجاست ؟  
فرار کن **تپهلی** که آگاه دیر بعضی گرفتت ، برون **تپهلی** که آگاه نرفتی ، میرفتت ... بکن **تپهلی**  
که آگاه کنی میکنند...





## تنها آقای محله

● از این هفته تهیه محصول تازه کوروش فیلم موسوم به «تنها آقای محله» آغاز شده است در این فیلم کساروی آرا «فرمانتلی» نوشته ویکارگردانی داود اسماعیلی توسط سعید نیوندی فیلمبرداری میشود پوری بانای، رضا فاضلی، مرتضی عقیلی، بهرام وطن پرست، هایک، ماشینیان وچشمه مشایخی شرکت دارند سوژهی تنها آقای محله در اطراف درگیریهای یک جوان پاکدل روسای نام آکن «فانلی» با جوان بزرگ و حقه بازی بنام علی کرده «مرتضی عقیلی» دور میزند که این درگیریهما ماجراهای شیرین و جالبی در بر دارد که اساس سوژهی فیلم «تنها آقای محله» روی آن برپا شده است.

افتد» شرکت سهامی سینما تاتارکس واگذار شده است و هفت گنشته پروانه نمایش آن از طرف اداره کل امور سینمایی کشور صادر شد.

## سرکار خشنفر

● پخشیه گنشته از طرف آس فیلم اکیبی جهت تهیه قسمتهای از محصول تازه آن استودیو موسوم به «سرکار خشنفر» به یزد سفر نمودند. در این فیلم که ساخت «کارگردان» رضا میرانوسی» سازندهی فیلم تپی است و توسط ارجح صادقپور فیلمبرداری میشود بهمن سعید، مرجان، مرتضی عقیلی، احمد هاشمی و عدهای دیگر شرکت دارند - سرکار خشنفر از سوژهی طنز و جالب برخوردار است که میرانوسی نسبت به آن امیدواری زیادی دارد.

## مست

● ارحام صدر مسمم است از روی بیس «مست» که هر بار آرا به روی صحنه تاتار آورده با موفقیت روبرو گشته است فیلمی با همکاری سازمان سینمایی باوراما تهیه نماید که خود در آن نقش اصلی را بازی خواهد کرد. هنوز ساز بازیگران این بیس انتخاب نشدهاند ولی بطن قوی هنرمندان گروه ارحام صدر که در این بیس بازی کردهاند نقشهای مختلف آرا بازی خواهد کرد. ارحام صدر تصمیم دارد برای کارگردانی فیلم «مست» از یک کارگردان جوان و آگاه فیلمهای ایرانی دعوت بعمل آورد.

## فیلم تازه جعفری

● محمد علی جعفری هنرمند قدیمی سینما و تاتار که چندین بیس فیلم «الکلی» از او نمایش داده شد در سده تهیه و کارگردانی فیلمی تازه ای است که در حال حاضر مشغول نوشتن سناریوی آن میباشد هنوز از نام فیلم و بازیگران آن اطلاعی در دست نیست ولی این فیلم را سعید نیوندی فیلمبرداری خواهد کرد و خود جعفری نقش مهمی در آن بازی میکند.

## در رامسر

● از طرف شرکت چهارم که این هفته اولین محصول آن موسوم به «آخرین نبرده» به روی اکران آمده است هفته گذشته اکیبی براسر اعزام شدند تا تهیه محصول تازه آن آغاز شود در این فیلم که سناریوی آرا احمد نجیب زاده نوشته است و یکارگردانی صد صاحب توسط رضا محابوی فیلم برداری میشود سپهریا، گرشا، متولایی، حسن رشیا، اسدالله یکتا، شراوه، هنگامه، ملیحه نسیری و زاله سام شرکت دارند. فیلم فوق «یک میلیون و دویست» نامدار و سوژه ای کمدی ترفیح فآر که مانند فیلم قبلی گروه سپهریا، گرشا، متولایی، «یک چندان سکر» بازیگر کار آنها در فیلم بطور جداگانه و ماجراهای جداگانه پیش میرود.

## شیورجی

● زکی که هم اکنون فیلم «پدر که ناخلف افتد» را با شرکت پوری بانای، حبیب مشایخی، سعید کامیار و ... آماده نمایش دارد مسمم است تهیه فیلم تازماری را آغاز نماید موسوم به «شیورجی» که هنوز هنریشگان آن بدرستی انتخاب نشدهاند. پخش فیلم «پدر که ناخلف

## قیامت عشق

● هوشنگ حامی منفذ و نویسنده سینمایی روزنامه کیهان قراردادی با پارسانیلو منعقد کرده است تا بموجب آن از روی سناریوی «قیامت عشق» که خود نوشته است تحت عنوان «قیامت عشق» کارگردانی نیلیم را انجام دهد. در این فیلم که با سرمایه

## بدکاران از شمال به جنوب

● اکیبی که چندین بیس برای تهیه قسمتهای از فیلم «بدکاران» به شمال رفته بودند این هفته بعد از اتمام کار به تهران مراجع نمودند و قرار است چند روز دیگر برای تهیه قسمتهای باقیمانده به جنوب سفر نمایند. در این فیلم که سناریوی آرا «اکبر صادق» نوشته است و یکارگردانی سعیدالله احسانی توسط خود او فیلمبرداری میشود مختار، وجسا، دلپنه، تجدد، نادیا و عدهای دیگر شرکت دارند. با اتمام فیلمبرداری بدکاران محصول تازه آرانای فیلم موسوم به «خاتم معلم» یکارگردانی عباس شایوسر توسط احسانی جلوی دوربین خواهد رفت.

● مختار ووجسا در تصویر از «بدکاران»



## سوراخ بعد از صادق کرده

● ناصر تقوایی فیلمسازی که چندین پیش فیلم کوتاه او «رهائی» در سنبله و ونیز جایزه بهترین فیلم کوتاه را گرفت و از وی هواکون فیلم «آرامش در حضور دیگران» آماده نمایش است ولی محلی اجازه نمایش به آن داده نشود. اینروزها مستسرگرم آماده نمودن فیلم «ساقی کرده» در استودیو میثاقیه میبندد زسرا قراردادی با آریانا فیلم دارد که ب موجب آن قرار است فیلمی برای این استودیو موسوم به «سوراخ» بسازد.

در ساقی کرده که توسط سمیراالله کمی در نواحی جنوب کشور فیلمبرداری شده است سعید راد، چهره جدیدآتشخبر، روشن سمیر، دلپه، نجنده، نریمان، فرامرز محمودی و عزتالله تقاضی شرکت دارند.

ساقی کرده از فیلمهای پر سر و صدای اسامیل سینمای ایران است که در فصل مزون نمایش داده خواهد شد.

## حسن سیاه تمام شد



● ممتاز و نصرت گرمی در تصویری از فیلم «حسن سیاه»

● این هفته کلیه امور فیلمبرداری محصول تازه سازمان سینمایی پیام موسوم به «حسن سیاه» پایان رسید و هواکون عوناژ و سایر مراحل فنی آن طی میشود. در حسن سیاه که ساریوی آریا «عرفی زاده» نوشته است و تکا رب گردانی پرویز اصانلو توسط علیرضا زین‌بست فیلمبرداری شده است نصرت گرمی، محمدرضا خورشید، ممتاز، نادیا، مدینه، روشن سمیر و اردوان سعید شرکت دارند. ممتاز که تاکنون فقط فیلم لوطی را از او نمایش داده اند و هواکون نیز فیلم ائل‌مئل تولوله از او آماده نمایش است در حسن سیاه نقش مقابل گرمی را بعهده دارد.

## مراجعت قایقرانان

● جمعه گذشته اکیسی که مدت یکماه از طرف سبیرا فیلم در شمال سرگرم تهیه فیلم «قایقرانان» بودند بعد از اتمام کار به تهران مراجعت نمودند. در این فیلم که با کارگردانی رضا سفاقی توسط علی سادقی فیلمبرداری شده است پوری نائی، موجهر و لوقی، کامی کسروی آرزو، مرضی احمدی، حسن ضیائی و سرکوب شرکت دارند. سفاقی هم اکنون مشغول مونتاژ این فیلم است تا بعد از اتمام آن فیلم نازی خود را برای فیلمکویلمز جلوی دوربین برد هنوز اتمام این فیلم و بازیگران آن اعلامی در دست نیست.

● میری - موجهر و لوقی و کامی کسروی در تصویری از قایقرانان



## ابدیت قبل از عیالوار

● پرویز نوری که تاکنون فیلمهای سنا جاعل، رشید و حکیم پاشی را کارگردانی کرده است اخیراً برای کارگردانی فیلم نازمای موسوم به «عیالوار» که ساریوی آریا بهرام زین‌بست نوشته است پایتخته‌کننده جدید قرارداد بسته است نقش اصلی این فیلم را که توسط علیرضا زین‌بست فیلم برداری خواهد شد قرار است «ارحام مندر» بازی نماید و چون او تا آخر تیرماه گرفتار نازی در فیلم های «یک کلاغ چهل کلاغ» و «پریزاد» خواهد بود لذا نوری تصمیم است از روی ساریوی «ابدیت» که خود نوشته است فیلمی بسازد و بعد از اتمام آن عیالوار را شروع نماید.

## در اصفهان

● تاکنون چهل دقیقه از محصول نازی فردوسی فیلم موسوم به «یک کلاغ چهل کلاغ» در اصفهان با کارگردانی امیرشروان توسط شکرالفرغی فیلمبرداری شده است.

● تاکنون فیلم کمدی تفریحی که ساریوی آریا احمدحسین‌زاده نوشته است ارحام مندر، حبیبیه، عادل‌روح، حبیبیه آریا، سرمدی کامیاب، فرخ‌لقا خوشمند و میری شرکت دارند. شما در صحنه‌ای از این فیلم داروش، کیوان و اوشین خوانندگان جوان تلویزیون ظاهر شده و ترانه‌های اجرا می‌نمایند و این اولین فیلمی است که داروش، کیوان و اوشین در آن ظاهر شده‌اند.

**گروگان**

● «ناصر ملک مطیعی» اولین قرارداد خود را به مداریات جایزه سیاس «چهارمین دوره» که جهت بازی در فیلم «ساقی دریاقت» نمود برای بازی در فیلم «گروگان» متعقد نموده است. این فیلم که فیلمبرداری آن از اواسط تیر ماه آغاز خواهد شد، با کارگردانی روبرت اکهارت توسط علیرضا زین‌بست فیلمبرداری می‌گردد. ساریوی «گروگان» را که از سوزی کمالا نو و بکر رخوردار است «جمال امید» نوشته است.



## آرزوی همیشگی کتابون

● با آنکه «کتابون» از روزیکه ازدواج کرده بارها صدداشته و هوازه آرزویش این بوده که فرزندی از شوهرش داشته باشد ولی هر بار قبل از آنکه بجهان بطور طبیعی دنیا آید در آخرین ماههای بارداری سقط شده است و تشخیص پزشکان «مضرحوم» است. این آرزوی کتابون بکار حری او نیز لطفه فراوان وارد آورده بطوریکه طی چند سال گذشته چون اکثر اباردار بوده است سمانه فرزند باری در فیلم تازه‌ای را اضافه نماید.

کتابون اخیراً باری در فیلم «عشق» را با پایان رسانده‌ولی تصمیم دارد بار دیگر بجهاد شود و در صورتیکه آرزویش برآورده شود زندگی را باقی بگذارد و تربیت او خواهد نمود و در غیر اینصورت فعالیت سینمایی‌اش را گسترش میدهد.

### ساحره رو به انتقام

● آخرین مراحل فیلم «ساحره» محصول سازمان سینمایی ژورنال توسط تورج پورپوروت طی می‌شود در این فیلم که ساریوی آرا سیروس اولوند نوشته است و داستانی از آن بر برد تهیه شده فرزندان «هنر مفید» بیسان، فرنگیس فرحزاد، محمد و حسین کیلی شرکت دارند. ساحره را «کاروان فدکچیان» که فلا فیلم «حق چاکمه‌پوش» را کارگردانی کرده عنوان دومین فیلم خود کارگردان می‌نماید. تهیه کننده این فیلم احمد فدکچیان است.

### بعد از خاطر خواه، گذر اکبر

● گروه آسیا بعد از انتقام سابقین فیلم «خاطرخواه» محصول آماند، نمایش شرکت سهامی سینما تئاتر رگس موسوم به «گذر اکبر» را به روی اکران خواهد آورد.

در این فیلم که بکارگردانی آرش محمدعلی زرنیسی و توسط شکرالله رفیعی فیلمبرداری شده است یک ایستادگاری، فرشته جنابی، شیراندازی، ایران دغری و داود رفیعی شرکت دارند. زرنیسی که فلا فیلمهای دیگری منجمله روزبه های تریک یک مادر، شهر گاه، بات خوشگل و هزار مشکل و ... را از او دیده‌ام درصدد کارگردانی فیلم تازه‌ای است که اینک سرگرم تنظیم ساریوی است.

### آببات چوبی رو به انتقام

● هارگون آخرین مراحل فیلمبرداری یکی از محصولات تازه استودیو پارس فیلم موسوم به «آببات چوبی» طی می‌شود. در این فیلم که ساریوی آنسرا احمد نجیبزاده نوشته است و به کارگردانی نظام فاطمی توسط داووش فیلمبرداری خواهد شد ناصر ملک مطیعی، مرجان و امین امینی نقضای اصلی آنها را بازی می‌نمایند.

نقضای اصلی را بعهده دارند، فیلم قلبی مطیعی موسوم به «بابا نادان» که در آن یک ایستادگاری، سیده آسان و جمشید مهرداد شرکت دارند و توسط احسان فیلمبرداری شده است و آن نیز محصولی است از پارس فیلم هارگون آماندی نمایش می‌باشد.

### قربانی در جنوب

#### ● هفته آینده اکبیس از طرف

استودیو عسمراتی جهت شروع فیلمبرداری محصول تازه ایسین استودیو موسوم به «قربانی» درواجن جنوب کشور سفر خواهند کرد. در این فیلم که ساریوی آنسرا احمد نجیبزاده نوشته است و به کارگردانی نظام فاطمی توسط داووش فیلمبرداری خواهد شد ناصر ملک مطیعی، مرجان و امین امینی نقضای اصلی آنها را بازی می‌نمایند.

سما از فیلمبرداری استوار و پاسان که بکارگردانی نظام فاطمی در استودیو عسمراتی ساخته می‌شود چند جله باقی‌مانده است که ناقلی از سفر اکبیس سازنده «قربانی» به جنوب میان خواهد رسید.

### پایان عونتاز

#### ● این هفته مونتاز محصول

تازه استودیو تحت جمشید موسوم به «عشق» که بکارگردانی ایرج قادری توسط کمال مطیعی در همدان فیلمبرداری شده است پایان میرسد و این فیلم آماده مداربندی خواهد شد. در ضمن که اموریوش آن بعهده شرکت سهامی سینما تئاتر رگس می‌باشد تهیه کننده‌اش جمشید شیبانی است ایرج قادری، کتابون، کهنسوی، فرزی، شکرکی و شیراندازی شرکت دارند.



## تقدیر نامه کمیته تشویق سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی برای هنرمندان فیلم تیلی

● شش هفته گذشته طرف سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی فیلم تیلی اولین ساختهی ارضامیر لوحی استی یک جلد در سینما کابری برای اعضاء سندیکا و نویسندگان مطبوعات نمایش داده شد.

سندیکای هنرمندان اخیراً منظور تشویق اعضاء خود کمیته تشویق بوجود آورده است که اعضاء آن عبارتند از:

خانم ایرن و آقایان بهرام بیضایی، سعید کیمیایی، جلال منجم، احمد شیرازی، ولی خانگدان، ساموئل خاچیکیان و انوشیروان روحانی.

این عده در تاریخ ۲۸/۴/۵۱ فیلم «تیلی» را مشاهده کرده و آن را لایق دریافت تقدیر نامه دانستند.

همین مناسبت در جلسه‌ای که در سینما کابری برگزار شد تقدیر نامه کمیته تشویق سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی توسط حمید قهری رئیس سندیکا به رضا میر لوحی کارگردان فیلم داده شد.

فیلم تیلی در این جلسه سخت مورد اقبال مدعوین قرار گرفت. قبل از آغاز نمایش فیلم اسماعیل نوری‌علاء پیرامون هدف جدید سندیکا و حمایت از فیلمسازان جوان توضیح سخن گفت.

است فریده نسیری، منوچهر صادقیور، ابراهیم فخاری، اسماعیل یسکا و عده‌ای دیگر شرکت خواهند کرد.

صادقیور در سال جدید فیلم دیگری نیز بنام «کریم درویش» خواهد ساخت که در آن نیز فریده نسیری و منوچهر صادقیور نقشهای اصلی را بازی خواهند کرد.

است. وی بعد از نمایش مستاجر فیلم تازه خود را موسوم به «هفت کپلون» در سازمان مشعل جلوی دوربین خواهد برد.

### نمایش اتمل متل تو توله

● اولین محصول تولیدی فیلم موسوم به «اتمل متل تو توله» که بکارگردانی ایرج قادری توسط کمال مطیعی در بواخی شیراز فیلمبرداری شده است هفت آینده در گروه اونیورسالت به روی آکران خواهد آمد.

در این فیلم که سازمان سینمایی زورنگ امور پخش آنرا بعهده دارد ایرج قادری، ممتاز، بهمن مفید، رضا فاضلی، زاله، سیلا، فرنگیس فروهر و جمشید شایخی شرکت دارند. بسرائی اتل متل تو توله «حسن و القسی» موسیقی متن ساخته است.

### عقدی کله پز

● همزمان با تهیه فیلم «قیامت مشق» در پارسا فیلم، تهیه فیلم دیگری هم آغاز خواهد شد موسوم به «عقدی کله پز» که سناریوی آنرا دکتر منوچهر کهرام نوشته است و بکارگردانی منوچهر صادقیور ساخته خواهد شد. در این فیلم که یک فیلم کاملاً تجارسی

### مستاجر آماده نمایش

که قرار است بعد از فیلم تیلی در گروه کابری به روی آکران آید ارجام سهر، پروین ملکونی، آقاچانی، سپین، چهره جدید پژوهان و آرمان شرکت دارند. سناریست و فیلمبردار مستاجر قاسمیوند و کارگردان و تهیه کننده آن آرمان

آخرین مراحل فیلم «مستاجر» محصول سازمان سینمایی مشعل در استودیو نقش جهان طی میشود و این فیلم تا چند روز دیگر آماده نمایش خواهند شد. درمستاجر



● کابریون در تصویر از فیلم «عقدی» محصول استودیو نقش جهان.

### نشریه هفتگی

#### فیلم و هنر

ساحب امتیاز و مدیر:  
عبدالمجید رضائیان  
آدرس اداره: ابتدای زورولت  
شماره ۳ - آپارتمان شماره ۱۰  
تلفن امور اداری:  
۲۳۸۸۷۱  
تلفن هیئت تحریریه:  
۴۴۳۳۵  
چاپ: از اسک  
تلفن ۳۱۳۹۴۱  
گزاره: از جواهری  
تلفن ۳۱۴۳۱۱

روی جلد: ناصر ملک مطیعی  
فروزان هنرمندان فیلم خانم فرهاد  
تابلوی وسط: هاپون هنرمندان  
فیلم «تیلی» و راکوتل و لئس سارن  
سکسی فیلم «باشش تجاوز»



از: حسین مدنی

## همه از دست غیر مینالند سعدی از دست خویشتن!

● اجازه میخوام قبل از اینکه به گفته های آقای سعید راد پاسخ بگم بامان بعنوان حسن مطیع قنیه‌ای را تعریف کنم!

میگویند دو برادر پناهای نقی و نقی برای خوردن گیلاس بیانی رفته بودند. نقی که کوچکتر بود بالای درخت و نقی که کوچکتر بود پایین درخت ایستاده بود! نقی که زرنگ بود هر گیلاسی را که بدعان خوب میگذشت پک گیلاس هم برای نقی که کوچکتر نبود میفرستاد! ولی نقی با اینکه دریا دعاش مرمیچید دائما «حق» میزد و اناک میرفت! پدرشان مرمیچید و چون گریه نقی را دید بیخواب اینکه نقی سر نقی را کلاه میگذاشت که بدعان خوب میگذشت پک گیلاس که میخورد بکی هم به نقی بدعد! نقی باز ق زد و پدر نقی را گفت دو برابر هر گیلاسی دو دانه برای نقی بفرست... اما نقی باز هم ق میزد! پدر بر سر نقی فریاد زد و گفت: اسلا تو خود چیزی نخور و همه را به نقی

بده! ولی نقی باز میخورد و ق میزد! سرانجام پدر که از پنهان گیریها و قزقزدهای نقی بهتگ آمده بود بر سر او فریاد زد و گفت: پسر تو که مرتبا داری گیلاسها را میخوری و اناک و جیبهای هم براز گیلاس است پس دیگر مرست چیست که من ق میزنم و غرید میکنی؟

نقی همانطور که اناک میخورد گفت:

— پدر! ق زدن من برای خوردن و کم و زیاد بودن گیلاس نیست. به نقی نگو از آن سالا نباید پالین! چون من چشم ندارم که او را آن بالا ببینم!

نمیدانم چرا وقتی گفتگوی آقای سعید راد را در روزنامه اطلاعات خواندم بیاد قنیه فسوق افتادم. از تمام گفتههای ایشان چند جمله مرا وارد کرد تا درباره آنها جوابگوئی کنم. آقای راد از اینکه دیده‌اند خانم لرتا و آقای ظهوری و رضا کریمی و بنده روی من رفته‌ایم و جوایز بردگان را داده‌ایم فریاد میزنند و درازتاند که: ای وای سینما از دست رفت!

لاشخورها! جنازه متعلق این سینمای پیر! و بنده‌ی شده را بتاراج بردند و قالب بیخ در دست ما جوانان گذاشتند!

و بعد اظهار شعار فرمودند که: ما نیرو های متنی را که سینما را بوجود آورده‌اند مشت خواهیم کرد... واقع.

من خیالمیکتم که آقای سعید راد هنوز گمان میکنند جوایز سیاسی را ما گرفته‌ایم و بحق جوانان هنرمندی چون ایشان خدای تعالی تجاوز کرده‌ایم ولی برای اطلاع آقای راد باید عرض کنم: دوست عزیز! اسامی بردگان جوایز دستیابها خوشخانه کسانی چون

بهرام بیضائی و ناصر تقوایی و زکریا هاشمی بودند که ما با افتخار و سرپندری بر این موفقیت چشمگیر مباحث کردیم و از جان و دل کف زدیم... ما برای بیضائی و تقوایی از جان مایه گذاشتیم و قدمشان را بر چشم نهادیم تا حد مقدس پیروزی آنها را بکرسی پاسخ دادیم.

**آنچه که مرا دچار تردید ساخته** اینست که مبدا علت این اعتراضات از آن جهت است که چون آقای راد را از دست جوایز کلاهی نصیب نبوده است ایشان را وادار به فریاد اعتراض و بهانه جویی و احیاناً «حق» زدن کرده است! اما این دیگر به خانم لرتا و ظهوری و سایرین مربوط نیست.

منابع ایشان را در بازار داوری هیچ قبضی ندیده‌اند تا حشرت آقای راد را نیز چون دیگر جوانان هنرمند به افتخار دریافت جوایز منتظر سازند! و اما برای مزید اطلاع آقای راد باید عرض کنم: «مصولا در جشنواره و مسابقات جهانی رسم بر اینست که جوایز همیشه بوسیله مستدین و پیشگويان قوم به بردگان داده میشود. من باب مثال آقای واز و بیبی جایزه اسکار خود را از دست «باب حوب» هریشیه پیر و قدیمی

سینما دریافت میدارد و خالصم «اشریفته» افتخار میکند که اسکارش را هنرمند بزرگ و بسا تجربهای چون «بت دیویس» بدستش بدهد، همچنین کاپها و نشانهای افتخار نیز همیشه از جانب کسانی داده میشود که دست قیمت

و احترام داشته باشند و فکر کنید مثلا اگر «لورنس الیویه» برنده جایزه اسکار شود آقای آن‌دولون بیاید و جایزه او را بدهد آیا حرمت جایزه و احترام جشنواره از بین نمیرود؟

آقای راد در گفتگوی دیگری اظهار نظر کرده بودند که باید ملک مطیعی‌ها را کنار گذاشت! میخوام بگویم در صورت چنین غلی آیا راه برای شما بازخواهد شد؟

آنها که ایشان نامبردمان برای این سینما زحمت کشیده‌اند، آنها تمام بیروی جوانی را گذاشته‌اند تا امروز آقای راد در پهنه سینمای بومی خود عرش‌نظام کند و توسن مراد را در میدان هنر هفت‌پهلوان درآورد! لرتا جوایزش را و زندگی‌اش را در راه هنر این مرمیچوم از کف داده است و امروز که گرد و غبار محنت و اسدوه برچهره شکستاش شسته وقتی جایزه سیاسی را بدست هنرمند جوانی میسپارد قلبش از خوشحالی میپلبد و برای جوانانی که وارث جاسی پای او در سن آثار و یا سپرده سینما هستند آرزوی افتخار میکند، او بر خنده های شما اناک شوق میریزد و بیضائی را بخاطر آن موفقیت بزرگش در آغوش جان میکرد!

آقای راد، شما اگر ایس حرفها را برای آنکه شهرتی بدست آورید و در جمع مردم مطرح باشید عنوان کرده‌اید باید عرض کنم:

پالین آمدن نقی چیزی بر موفقیت نقی اضافه نمیکند! بلکه این نقی است که باید با پشتکار و شایستگی، خود را به نقی و شاییدم بالاتر از آن رساند و گرنه نوزد و بهانه گرفتن جز آنکه خود و دیگران را رنج و غدا بدهد نتیجه‌ای نخواهد داشت!

در پایان ناچارم بعد از آن حسن مطیع پک حسن ختام هم عرض کنم:

میگویند پندری با سرچوایش بهصام رفت، تنگی براوستولی شد، پسر را گفت تا برایش آب خنکی فراهم سازد، پسر که به حرمت پدر اهمیت نمیداد رفت و در ظرف خنکی ناپاک آب سرد خزینه ریخت و بدست پدر داد! پدر از دیدن آن بی‌احترامی آه سردی برکشید و به پسر گفت:



ای فرزند ، من وقتی به سن نوبیوم روزی پدرم آب خواست و من قطعه جامی شفاف و آب زلالی را در جامی بلورین ریخته بمنتشانهام او مرا دعا کرد و از خواندنمراقبت عاقبت خیر آرزو کرد ! نتیجه این دعا این شد که در امروز در کسای جریکین آمی آورده بمن میدی ! وای بحال تو که خدا میداند از دست اولادت چه آمی خواهی گرفت !

### حسین مجتهدزاده

حقیقت این است که نازکی **ها سوژه** بی‌زهر از سبب پیدایش می شود . چون نه آن کشش سابق را دارد و نه واقعا استحقاق این توجه را که بطنی بطلبد . هرکس هنوز از گرد راه نرسیده می‌انگردد و البته برای اینکه از غافل عقب نمانده باشد - دست به نقد نظراتی درباره سینما در چپ کشد . ناگاری روزی روزگاری چشمش خالی شد و مویز برای گفتن بسا نوشتن نداشت نسبت به هیچ‌سینماگر ببرد و مثله سینما را مطرح کند . مورد زنده اینها چندین پیش در شماره نوروز مجله «فردوسی» دیدیم . که جناب «سیانلو» بعد از اینکه وقت‌نازه به سرافت افتاده اند که کله کله کوب عجب فیلم موزری است . البته علی‌الظاهر چنین بر می‌آید که مطلب دوستونی ایشان فقط برای خالی نبودن عرضه آمده بود .

در هر صورت ایشان تحت مطلق بنام «حوت و پرت‌های آخر سال» انگولکی هم به هیچکاک کرده بودند . نو فیلم آخر او: «توپاز»

و «برده پاره» را مفضلا به شد کشیده بودند هیچ راجع «جان فور» نیز مقایزری قلمی فرسوده بودند . البته دیگر این با خوششان است که چگونه اینهمه مطلب در دو ستون ناقابل جا شده است .

البته بنده باین کاری ندارم که «توپاز» یا «برده پاره» فیلم‌های خوبی هستند یا خیر و یا اساسا هیچکاک آدم خاکی بطنی است یا نه . بلکه فقط به این کار دارم که چرا شاعر خوبی مثل «سیانلو» نه گذاشته و نه برداشته و تمام موفقات هری وغیره‌ری را رها کرده با اظهار نظراتی خیلی «بی‌خبرانه» خواسته این دو فیلم را نکوبد . شاید امر با ایشان منتهی شده کمپون شاعر هستند و منتقد (ایشان بعضی اوقات کتاب هم نقد می‌کند . از جمله همین کتاب «توپاز» را) پس این حق را هم دارند که راجع به سینما هوشیافه بویسند . بجزه که کتاب «لئون اورسن» هم نقد کرده‌اند . ولی آنچه از مطالب ایشان برمی‌آید این است که از سینما چیزی نمی‌دانند . مثلا توجه کنید به قسمت اول یادداشت ایشان : از «خوشه های ختم» جان فور تا «توپاز» آلفرد هیچکاک این سینمای قدر اول امریکاست که تا بهی عجبی را در سنجش ارزشهای بئسری شان میدهد . سینمای شریف و عزیز و هنرمندانه «خوشه‌های ختم» به سینمای پست و چندساز اور و هنرمندانه «توپاز» می‌رسد .

از جمله بالا برمی‌آید که اسم سینمای «خوشه‌های ختم» شریف و غیره است . ۲- سینمای «توپاز» پست است . ۳- سینمای «فورد» عرش سینمای امریکاست . ۴- سینمای «هیچکاک» فرش سینمای امریکا . خوب براند تو از کجا چنین فوای دادی ؟ تو که در هیچ کدام از موارد بالا حسی سبک دلیلی نیابوری . جنابعالی با دیوار دین (البته حداکثر از من ذکر می‌کنم) «خوشه‌های ختم» چگونه موفق شدی عرش سینمای امریکا را پیدا کنی . بخصوص که فیلم بزبان اصلی بود و همه میدانیم که این فیلم یکی از پردیالوگترین فیلم‌های «فورد» است . راستی که دست مرزبان .

نکته جالب اینکه هنرترش حد اقل به «جسوندگان» او اشاره

نکرده . گرچه ممکن است فیلم را ندیده باشد . و یا ندیده باشد و فیلم را نهمیده باشد . برای اطلاع باید خدمتان عرض کنم کسی که می‌گوید سینمای «فورد» اوج سینمای امریکاست باید تمام فیلم‌های «هاوگر» و «فولر» «تری‌مان» و «پرینگتون»... را ندیده باشد . و بنده اطمینان دارم جنابعالی حتی با فیلم‌های «فولر» ندیده‌اید (یا شاید هم ناخالا اسمش را شنیده باشید) .



مطلب دیگری که می‌خواستم حضوربان عرض کنم . این است که ارزش یک فیلم به این مویز نیست که فیلساف چه می‌گوید بلکه مویز به این میشود که فیلساف چگونه می‌گوید . آنچه بکار «آنتونیونی» اهمیت می‌بخشد این نیست که مثلا در «حادثه» و «میان» و «کوف» سرکشگی انسانی را مطرح می‌کند . چرا که قبل از این مثله بازها مطرح شده و بعد از این هم مطرح خواهد شد . بلکه این استیلال کار اوست که او را فیلساف متمایز و کارش را ارزشمند می‌کند .

گفته بودید راجع به «هیچکاک» تعصب است و این مانع ارزیابی فیلم او میشود . دراین مورد هم باید خدمتان عرض کنم سینمای «هیچکاک» در «توپاز» از نظر من مردود است . ولی این نه به علت موضوع فیلم است بل بخاطر خود فیلم می‌باشد . مطلب دیگر که تذکرش لازم است اینکه برخلاف اعتقاد شما و خیلی از «مستولان» دیگر که دو سستی مایه فیلم را چینی‌ماند و خاطر همین مایه فیلم را رد کردند . باید عرض کنم . آنچه در «توپاز» مطرح نیست مسئله موزیک و کویا و «کاسترو» و «زاین حرفات» . «هیچکاک» با اشاعت از تمام این موارد فضای دهشتناک و مرگبار قرن حاضر را رسم می‌کند که اسانهایی مثل «آندره بورو» یا «خوانیتا» قربانیان آن هستند و عشق - آن‌جسم مفری می‌گردد برای گریز به جایی که بناگاهش موجود نیست .

## دردنسر

### کمبود اسم!

● کمبود اسم بیدجوری گریانگیر سینمای ما شده است (نواز این مشکل رفته رفته به موسیقی نیز سرایت کرده موسیقی پس از دیگری از نام اسم تکراری و خواننده نیز همین ترتیب . ارائه داده می‌شوند) و حلاصه بعضی توفیق باشم . مشخص دست اندرکاران اهل فن . دیال آن نوع اسمی رفته رفته و کاری می‌کند که اسم توفیق اول را هم از این عبیرت : مثلا یک زمان فیلسافان ما به «فارون» رو کردند و «گنج» این جناب را برج کشیدند . «سینا» «هارون» را شنسین «فارون» ننوده و ناگفته نماند که «عشق» هم برای «فارون» تراشیدند و صدالبته ما بسریز برای او زایلیدند و «بسران» «فارون» ، آبروی هرچه «فارون» را بردند !

بهرحال این فقط شک نوع از ادبانه روی اسمی می‌باشد و ولادت همانطوریکه بونوی اگر فیلم «اتل‌من‌تولوه» باصطلاح گل کند ، پس از آن «فیلمی «گاو حسن چه جور» وغیره و ذلک هم سیر می‌شوند ، توفیق «بسنجی» هم پای «نامه رسان» و اتوان وانصافش را به سینمای ایران خواهد کشاید . و این هیچ بعد نیست! و اما جالب آنکه هنریشناس جدیدافورد نیز دردنسر کمبود اسم را می‌افزاید و بعد از بافرض دوستان طرفان و هفت هفت عدد هم اقلین باسنی از «نگار» های متعددی هم یاد کرد که شاهد دنیا هستند! این مشکل و نا بهتر نگوییم دردنسر . همچنان ادامه دارد و مسئله استفاده از اسم و رسم ، حل نشدنی باقی مانده است و این شاید علت نداشتن حال و حوصله درست و حسابی بسیاری از معنیان این سینما باشد !

شاهور مصنف

# جراید تهران و سپاس.....

## گفتگویی با: دکتر حاج سید جوادی، ریاست ژوری

### چهارمین جشنواره سپاس

طبیعی است که همیشه، همه از نتایج قضاوت ژوری راضی نباشند \* قضاوت مردم کلی و جامع نیست، زیرا همه آنها، همه فیلمهای جشنواره را ندیده‌اند \* آن شب وقتی بپیمه آنها که در این مورد اعتراض داشتند گفتم سه قاپ و باباشمل را دیده‌اید، می‌گفتند، نه! \* آنها که معتقدند بهروز وثوقی باید انتخاب میشد اشتباه می‌کنند! \* صدی نود افرادی که از انتخاب فروزان ناراضی هستند، باباشمل را ندیده‌اند!

می‌چربید. با این همه، من گریه می‌دانم - البته توجه داشته باشید از همه هنرپیشه‌هایی که فیلمشان در این جشنواره شرکت داده شده بود - ولی این نظر شخصی من است.

گرچه من نمی‌بایست آنچه را که در جلسات هیات داوران گذشته فاش کنم، ولی برای دفاع از ژوری مجبور شدم، در جواب شما، این حرفها را بزنم. لکن اگر کسانی معاند باشند که بهروز وثوقی باید انتخاب میشد، بکنی استنباه می‌کنند. من خودم بازی بهروز را بسیار قوی می‌دانم، ولی نتایج قابل توجه که از او به فنپوئل عرضه شد، «دانش‌آکل» بود که ستایشنامه هنرپیشه اول مرد آن، بیب وثوقی بود. همانطور که هنرپیشه اول زن در «محل» تپ «ایران» نبود و بنظر خود من، بعد از گریه‌ی تنها ملک مطیعی استحقاق بازی های خوبی، مخصوصاً در «سحاب» ارائه داد.

س - چرا درشکچی اول شد و «محل» یوسفینی کسب نکرد؟  
ج - این را باید دانست که جایزه اول، به مفهوم مطلق به فیلمی داده می‌شود، که از هیچ نظر، مثلا بازی، فیلمبرداری، کارگردانی، ستاریو، موزیک، سایر زمینه‌های سینمایی ضعیف‌تر نداشته باشد. لذا بنظر هیات‌داوران و شخص من، «دانش‌آکل» واجد شرایط بود. درحالی‌که «درشکچی»

مردم، کلی و جامع نیست، زیرا همه آنها، همه فیلمهای شرکت داده شده در جشنواره را ندیده‌اند، که نظر بندهم در این جشنواره ۱۸ فیلم شرکت داشت، که هیات ژوری همه آنها را دیده در حالی‌که اغلب معترضین چندفیلمی، مثلا «محل» را ندیده‌اند و در باره این قضاوت می‌کنند. در همان شب، پس از اعلام رای داوران، خیلی افراد با من صحبت کردند، و اعتراض‌شان را مطرح ساختند. اما من از آنها می‌پرسیدم:

فشار سحاب را ندیده‌اید؟  
می‌گفتند، نه. سؤال می‌کردم: فرار از قلعه را ندیده‌اید؟ باز جوانشان «نه» بود. بیشتر، تنها دو فیلم «محل» و «درشکچی» را دیده بودند.

من از رای داوران دفاع می‌کنم. اما بگذارید، موارد دفاع را بگویم:

جایزه نقش دوم به بهمن مفید، به حق داده شد. جایزه نقش دوم زن به دیانا به حق داده شد. جایزه فیلم اول به «دانش‌آکل» بحق داده شد. جایزه کارگردانی به جلال مقنن بحق داده شد. جایزه فیلمبرداری رنگی، باحتمسبیرازی بحق داده شد. جایزه فیلمبرداری سیاه و سفید، به نعمت حقیقی بحق داده شد. جایزه موزیک متن به مرتضی حنانه بحق داده شد. اما من شخص من معتقد بودم که بازی گریه، تنها یک فیلم داشت، و آن عیب این بود که تا حدودی جنبه تئاتری آن درجه سینمایی‌اش

بازه سیاس دانست. مساحه‌ای با «دکتر حسن صدرحاج سیدجوادی» رئیس کمیته داوران چهارمین دوره بمل آورده بود که از بسیاری جهات روشنگر حافظی‌ناره درمورد سیاس بود که بی‌ساست ندمی‌بین مساحه را در اینجا نقل کنیم.

س - آقای دکتر، میدانید که عدلی به رای هیات داوران، در انتخاب بعضی افراد اعتراض دارید؟

ج - اولاً این طبیعی است که همه از نتایج قضاوت ژوری راضی نباشند. هیچوقت نمی‌شود نظر همه را جلب کرد. ثانیاً نظر مردم، با نظر هیات داوران، اغلب معارض است. و بی‌ارمگست دیده شود که جایزه خارج از انتظار مردم تلقی بگیرد. زیرا، داوران مسائل تکنیکی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند، در حالی‌که مردم ساده با منوجه این مسائل نمی‌شوند و با احساس می‌کنند.

س - بنظر شخص شما، واقعا این انتخابها، درست بوده است؟

ج - اگر این سؤال از هر یک از اعضای هیات‌داوران شود، مسلماً نمیتواند جواب مثبت بندهم چون، در کلیه آراء صادره، بدون استثناء اتفاق نظر وجود نداشته است و هیچوقت نمی‌شود وجود داشته باشد. چنانکه، بنظر من فیلم دوم فیلم دیگری، غیر از آنکه انتخاب شده، باید باشد. این را باید بدانیم که قضاوت

«سیاس» در هر حقه گذشته همه مسائل را تحت‌الشعاع خود قرار نداده بود و مطبوعات کشور سینه‌ها از این رویداد مهم هنری سال تحویل و ترویج و افتخار کردند نرویده نیست که راه‌انتهای‌های مطبوعات بسیار برای برگزار کنندگان «سیاس» مفید واقع شده بطوریکه میتوان بطور قطع گفت این راه‌انتهای‌ها در سال آینده بسیار میتواند موثر گردید. و در کار برگزاری مراسم دکتر گوی نارامی به‌وجود آورد.

درحقیه گذشته میان اطلاعات هنگی، جوانان - نشاط - سینما - سیاه - تهران منصور - سیخ امروز فردوسی - بانوان - این همه - امید ایران - ساره سینما صفحانی را بندج در نظرهای مربوط به «سیاس» احساس دادند و روزنامه‌های اطلاعات - کیهان - آیندگان - تهران زورنال - زورنال دو - تهران - کیهان اینترناتنازل و دیپلمات از جمله جرایدتی بودند که درباره سیاس بندج روزناز و جیسر پرداختند.

«سیاس» و نمونه قضاوت داوران اسام نیز چون اسام گذشته‌انداری سنجید و ناراضی عمومی می‌شده داشت که این مسئله سبب گردیده بود که در این مورد ریاست اسام قبل بحث و جدل پیش آورد. مسئله اطلاعات هنگی منن یک روزناز کامل به سینمایی که سیناوان آرا جالبترین مطلب در

از بعضی جنبهها ، ضعیف بود .  
 س - در باره بهترین هریپنه  
 زن چه میگوئید ؟

ج - در مورد بهترین هریپنه زن ، بطور ائلب اعضای هیات ژوری ، هیچکس استحقاق جایزه نداشت . «ایرن» یا اینکه هریپنه‌ی بسیار فویست ، ولسی انتخاب او برای بازی زن حاجی در «مطل» مناسب نبود و شعوب های زنهای در بازی او دیده می شد ، که از نظر تماشاچی کاملاً پوشیده است . در حالیکه فروزان با همه سعی که کرده ولی نفس حسودتی را در «باها شمل» خوب ایفا کرده بود ، و اینکه گفته شود باها ملاحظاتی مانند سکی و رقص په فروزان رای داده شده ، صحیح نیست . خوشبختانه به «باها شمل» ایدآ سکی وجود ندارد و رقص هم به آن معنا نمی‌بینیم . یکنوازی بگویم ، سدی بود افرادی که از انتخاب بهترین هریپنه زن ناراضی هستند ، «باهاشمل» را ندیده‌اند .

بهر حال ، بطور من اگر جایزه اول هریپنه زن را به کسی نمی‌دادند بهتر بود یک مقدار ناراضی بر فیلم «محلل» و «درشگهی» وجود دارد که باعث شده جایزه نبرد . من با آنکه قدرت بازی کریمی را در هر دو ، تحسین میکنم ، ولی «محلل» را فیلم خوبی نمی‌دانم ، و حتی از جهت وارد کردن نوعی ابتذالات دیگر ، علاوه بر ابتذالات دیگر فیلمها مسیر تشخیص میدهم ، مانند کارهای آن بچه ، و اینکه از این طریق ، یعنی طریق آسان و مبتذل تماشاگر را وادار به خندیدن می‌کند - این راه سهل و آسانی است . و دیگر ، سحنه‌های خلاف انتظاری که در رخصتوب می‌گذرد ، و یا نشان دادن پوست بریده شده آلت مردانگی بچه در فیلم «درشگهی» به عقیده من ، این مسائل را به عنوان مسائل سنی نباید عنوان کرد . سحنه‌های تئاتر روی جوسی را به سینما آوردن ، کار جایی نیست . از این روست که میگویم اگر به همه نظرهای هیات ژوری هم شخصاً معترض نبودم اما این دلیل نمیشود که بدون مشاهده همه فیلمها و در نظر گرفتن زمینه‌های گوناگون نظراتشان را مردود بدانم .

نقل از : اطلاعات هنگی



# رضا میرلوحی کارگردان «تپلی»



● ایرج صادقیور فیلمبردار، مونتور و یکی از تهیه‌کنندگان فیلم، به هنگام آماده کردن «همايون» برای صحنای از فیلم «تپلی»..... رضا میرلوحی کارگردان و ساريت فيلم «تپلی» نیز در تصویر دیده می‌شود.

## \* اگر فیلمسازان جوان باین تر تیب پیش بروند، قدیمی‌ها،

شروع شده، آمده باشند. قیصر یک پرداخت تجاری خیلی خوب داشت. همین و گاو هم درست بعل به باش بود البته شکی درش نیست که قیصر یک مقدار قوت قلب به معنی از تهیه‌کنندگانی که شهادت ساختن بعضی از فیلم‌ها را داشتند داد. موجودیت آرمی چون گستان با کریس که قبلا بودند بستگی به قیصر ندارد.

من اعتقادی به تحول با فیلم قیصر ندارم. اعتقاد من به پداز آن است. البته فرعه بنام کیمیایی اخاذ که اول باشد ولی اگر فر-مثل در کجایی کریس اول می-آمد این فیلم آغازی میشد برای تحول... قبلا نیرو هائی داشتیم که استفاده نمی‌کردیم ولی بعد از قیصر نیروها در خدمت گرفته شدند.

— در سینمای ایران میخواهی بیرو چه فکر و راهی باشی کدام يك از این کارگردانان صاحب‌نام سینما الهام‌بخش تو هستند؟

● یادم می‌آید زمانی که شروع به نوشتن کردم گاهی از روی انشاء های دائیم که نویسنده بود یا نثر گستان و حاصل تقلید میکردم. بعد بتدریج فکر کردم برای خودم سبکی بوجود آوردم ولی

بچه بودم و آن سریال‌های معروف را میدیدم دوست داشت و بعدها فکر کردم که راهم را در این زمینه طی کنم. ابتدا این راه را از نثار آغاز کردم. هدفم این بود که کارگردان بنوم و همیشه در موقع رهبری کارگردان در روی من نثار چشم به او دوخته میشد. بعد با دوربین که چندتا فیلم‌سازیم و آنگاه با نوزبویون رتم و پس از چندی بارفامه در سینمای ایران شروع به کار کردم.

— قبل از این که به سینما روی بیاوری «دیده» تو در مورد سینمای ایران چه بود و در مورد ساختن اولین فیلمت «تپلی» پایه راه‌های باین سینما می‌گویی؟

● قبلا در ایران سینمایی وجود نداشت، و حالا تازه دارد بوجود می‌آید!

— پس نوشتنهای باین تحولی که می‌گویی، دو سه سال است در سینمای ایران وجود آمده نداری؟

● تحولی ایجاد نشده، یک عده خود بخود آمده بودند، قیصر، گاو آمده بود، رفاه‌آمد خسوسا آکسون و امثال فیلم‌های مهرجویی، نتوانی، جلال مقدم و کریس آنها فکر نمی‌کنم خاطر تحولی که با قیصر به گمان خندای

\* «علی حاتمی» باید سینما را کنار بگذارد،

او در آخرین فیلمش حتی ریتم قصه‌نویسی را نیز رعایت نکرده بود!

\* «رضا هفت‌خط» اصلا فیلم نبود، «علامه

زاده» هم با فیلم «قدیر» مرا کاملا نومید کرد.

\* من اعتقادی به تحول با فیلم «قیصر»

ندارم.

\* سینما در ایران، تازه دارد بوجود می‌آید.

● رضا میرلوحی بارفامه فیلم «تپلی» که اولین ساخته او در مقام کارگردان است با نوشتن ساروی «رفاه» فعالیت خود را در سینمای ایران آغاز کرد. او قبلا ساروی «سپاه» را نوشته بود. بعد از رفاه اوسارویهای «کاکو» و «ارن بکتی» را بسز نوشت که این دو وسیله شاپور قریب و محمود کوشان ساختند. آخرین کار او در مقام ساريت «گدای میلیونر» است که محمود

کوشان فیلم لری؟

● من سینما را از خیلی پیش، فکر میکنم از موقعی که

در سیما هنوز فکر نیکم سگی  
برای خود داشته باشم .  
هنوز شک منحصی پیدا  
نکرده‌ام یعنی درست آن چیزی که  
باید از خودم باشد ، کشف نکرده‌ام .  
من تحت تاثیر هیچ کارگردانی  
نیستم ، چون دوست ندارم تحت  
تاثیر کسی قرار بگیرم ، ولی  
سبحانم و تقدیرشاکت روی  
کارگردانهای دنیا ندارم . که از  
آنها بتوانم الهام بگیرم .  
— چه کارگردانی موردعلاقه  
تو هستد ؟  
● رگمان و الیاکاران  
— از رگمان تا بحال چه  
فیلم هائی دیده‌ای ؟  
● سکوت و مهر هفت .  
— فکر ساختن «تیلی» چگونه  
وجود آمد ؟  
● فرارنده هایون (مهریبه  
فیلم تیلی) خودش از روی پیش

● بر اساس اصل داستان  
استانیک نوشتیم .  
— در آفتاب این داستان تا  
چه حد خودت را آزاد گذاشتی ،  
آیا درست از اصل آن پیروی  
کرده‌ای ؟  
● من اصلا تابع نویسنده  
نیستم . من خودم را آزاد گذاشتم  
و در این مورد فقط آدم هایش را  
فرض گرفتم . حتی فکر میکنم  
آدم هایش را هم عوض کردم .  
من برداشت خاص خودم را از این  
فصل داشتم و بر اساس همین برداشت  
فصل ساریوی نی را نوشتم .  
● در رهبری بازیگران با  
نوجه به این که اولین کارت در  
مقام کارگردانی بود چه اشتکالی  
داشتی ؟  
● در رهبری بازیگران فیلم  
هیچ مشکلی نداشتم چون هرچهار  
آنها میخواستیم میدانند.همشان

را بکن یا نکن . پلو تدرک میدم  
که چی ازت میخوام و آنقدر  
با او کار میکنم که خودش نقش  
مربوطه را دربیآورد .  
— در فیلمهات «تیلی» و «احمدی  
را دنبال خواهی کرد ؟  
● سعی میکنم در فیلمهایم  
یک تم واحد داشته باشم ولی ممکن  
است این تم بعضی مواقع جایباز  
کار در نیاید ؟  
— از ظاهر «سرکارخضر»  
برمی آید که با «تیلی» تفاوت  
زیادی دارد چرا پس از تیلی یک  
کارت را عوض کردی ؟  
● میخواستم استراحت کنم .  
پس از ساختن « تیلی » احساس  
خشکی روحی و حساسی میکردم  
و علاوه میخواستم یک فیلم بازاری  
پولساز بسازم و کوشش من در  
ساختن فیلم «سرکار خضر» این  
است که فیلم فقط بفروش برسد !

دارد ؟  
● تا بحال در بیشتر فیلمهایم  
ایرانی که دیدم جامل حاکمیرمان  
صبار آسماند ، نصاری نزد و  
حسین کشیخاندان ، شمدان قهرمان  
فیلمها . لوطی های واقعی دیگر  
وجود ندارند . من سعی میکنم در  
سرکار خستر این روی قضیه را  
نشان بدم ، یعنی یک لات بنام  
معنی که خیال انسانی او ظاهری  
است و در واقع او و ایشالی آدم-  
های کثیفی بنام میروند و من  
مربیهای برای از دست رفتن  
لوطی های واقعی بنام نمیدهم .  
— در میان کارگردانان هم  
نپ و هسن خودت چه کسانی  
قبول داری ؟ آدم های چسبون  
آوانسان ، بیضالی ، تقوایی ،  
کیمیایی و مهرچولی ؟  
● جز آری آوانسان ،  
بنیه را بیشان احترام میکنم و

## جوانها را از گسود بیرون خواهند انداخت

«موش‌ها و آمه‌ها» فیلمی سازد و  
بعد نوشتن ساریوی آرا بن‌دادند  
و فرار شد خودم هم آرا به  
سازم .  
— ساریو را بر اساس همان  
نمایشنامه نوشتی یا رمان «اشنان  
یک» ؟

در نهایت قدرت و خوبی بودندو  
من از آنها واقعی هستم .  
در کار بازی سازی من نیک  
خامی دارم و در این مورد من  
یک ستار تحت تاثیر استاد تازم  
شاین سرکیسان (فیلم) بودم .  
به بازیگرانم نمکویه که لالان کار

— تا چه حد از طنز در این  
کمدی استفاده کرده‌ای ؟  
● سعی دارم در زمینه‌تصویر  
از طنز بیشتر استفاده کنم ، چون  
در آن صورت موفق‌تر خواهم  
بود .  
— سرکار خضر چه فضای

کار هایشان را باعلاقه میبینم .  
آوانسان معتقدن من باید بسرو  
فیلم های ۸ میلی‌متری سازم. چون  
فیلم شخصی میسازد لاقال درخانه  
برای خودش نشان بدهد نه این که  
باید آرا در ملا عام نمایش  
بدهد !

● «هایون» و «زری خوشکام» در صحنه‌ای از فیلم «تیلی» نخستین ساخته‌ی «رضا بیرونی»



— نظرت در باره فیلم های  
«رضا هفت خط» و «فیسر» و  
«فقدیر» چیست ؟

● من تعجب میکنم که چطور  
حسین برای فیلم رضا هفت خطرا  
ساخته . البته «الاکتک» او را  
دیدم ولی رضا هفت خط اصلا  
فیلم نبود یا علاوه‌براهه بافیلم قدیر  
مرا کاملا نومیخ کرد . شاید  
اشکالی در راه این دو فیلمساز  
جوان بوده ولی آرزو داشتند این  
نو فیلم خوب بودند ، چون بهرحال  
همه ما در یک جبهه هستیم .  
در مورد علی‌حاشی ، من منتقدم  
که سینما را کنار بگذارند بهتر  
است چون او اصلا سینما را نمی-  
شناسد . او یک قصه‌پرداز است و  
تازه در این زمینه دو فیلم قدرتم  
او رنم قسه نویسی را رعایت نکرده  
بود .



● سیر سطر در صحنه‌ای از فیلم «دکتر استرنج لوف» ۱۹۶۴



● کرکنداکلاس در «راههای افخار»

## مروری بر فیلمهای استانی کوبریک

داگلاس در «راههای افخار» یک فرورمانس درخشان ارائه کرده، برآمده بازی «آلفرد منچو» نیز که نقش افسر مافوق داگلاس را برعهده داشت. اگر چنین گفته شود، مطمئن گزافه گوئی نخواهد بود. نقل است که به هنگام فیلم برداری فیلم درمونیک و سواس فوق‌العاده کوبریک در ساختن فیلم و چند باره گرفتن هر صحنه سرانجام شاق «منچو» را سربرد و خنما و راست به کوبریک برانگیخت. کوبریک خاطراتش می‌کند: «موقع فیلمبرداری «راههای افخار» هرگز چنین حادثه‌ای پیش نیامده و آماده می‌کند این داستان است که می‌تواند در مورد جاسازان لاتسون به‌حکم ساختن فیلم‌برداری «اسپارناکوس» (۱۹۶۰) مسدود باشد؛ یک فیلم ظریف و پرجز در باره «برده‌گری» در روم پیشین از صحنه.

اما بزرگترین مشکل کار کوبریک در اسپارناکوس وجود تهیه‌کننده و ستاره فیلم «کسک داگلاس» بود. «اسپارناکوس» تنها فیلم من است که روی آن کنترل مطلق نداشتم. آنتونی مان کارگردانی این فیلم را آغاز کرده و کسانی اول آرا هم گرفته بود. اما به‌صاف عدم توافق با داگلاس، پس از پایان نخستین هفته فیلمبرداری، کار ساختن فیلم را رها کرده بود. این فیلم زمانی به من رسید که دو سال بود فیلمی ساخته نبودم. وقتی که «کسک» پیشنهاد کارگردانی اسپارناکوس را به من داد، من فکر کردم در صورت تغییر دادن قسمتهای از ساریو، باید بتوانم چیزی از آن بخرم. ولی ساختن این فیلم به‌من این تجربه را داد که اگر در یک قرارداد به‌صراحت قید نشود که تهیه‌کننده به تصمیمات تو به‌عنوان کارگردان فیلم احترام خواهد گذاشت، امکان فراوانی

هست که به نفقات و خواستههای تو - در جریان ساختن فیلم واقعی نگذارد. ساریوی فیلم را می‌تواند در جریان فیلمبرداری تغییر داد، ولی چنین نند. کسک تهیه‌کننده فیلم بود. او و «دالتون میو» که ساریو را نوشته بود، «ادوارد - لولیس» تهیه‌کننده اجرایی فیلم، قبلاً باتوافق یکدیگر هر بلای خاونه بودند بر ساریو و «مساله انتخاب آکوردها» آورده بودند و حاضر به قبول هیچ تغییر و تبدیلی هم نبودند.

علیرغم تمامی دشواریهای رنج‌آوری که در جریان تهیه این فیلم رخ نمود، اسپارناکوس فیلمی ارزشمندتر و بهتر از بسیاری از فیلمهای «تاریخی - حماسی» معروض خود از کارگردان و «پیش-پوستینوف» بخاطر اجرای عالی نقش در این فیلم، سرانجام از یک جایزه اسکار نصیب برد. با اینهمه خود کوبریک از این فیلم ناخروار یاد نمی‌کند. او همچنین از این

ارزش‌گذاری منتقدین نیز که فیلم بعدی او «لولیتا» (۱۹۶۲) را در «فهرست نوبس فیلمهای براساس ارزشهای کینی» تنها یک پله بالاتر از اسپارناکوس قرار می‌دهد، خنود به نظر نمی‌رسد. نظر من درباره لولیتا تقریباً مشابه همان نظری است که «پالین کیل» درباره این فیلم نوشت: «چیزی که در مورد لولیتا شکم‌انگیز است، شدت لذت بخش بودن و دلچسب بودن آنست. از زمان آن روزهای درخشان دهه چهل که «پرستون استرجس» بکجور کندیهای «اسلاب استیباک» لفظی را بازآزمی کرد، این اولین فیلم جدید کندی آمریکائی است. لولیتا یک «اسلاب استیباک» سیاه است که در برخی لحظات آن آدم هچنانکه می‌خندد، دچار نفس تنگی می‌شود.

در شرایطی که «پیتسزور» و «جیمز میسون» بخاطر ارائه فرورمانسهای قوی در قالب دو

کاراکتر «کیلی» و «هومبرت» به‌شدت تحسین شدند، از هسولین و به‌عنوان اینکه برای ابدی غش «لولیتا»، حوری کوچک‌فروخته سیما، کمی بزرگسال بود است، خرده‌گیری شد. کوریک اخیراً درآیندورد کمت «لس «لولیتا» کتاب نابوکوف، ۱۴سال ولیم بود، هسولین هسم سیزده سال بیشتر نداشت. بنابراین دیگر هورنی برای خرده‌گیری نمی‌ماند، به نظر من بعضی‌ها برای خودشان یک تصویر ذهنی از لولیتا به‌عنوان دختری تقریباً ۱۰ساله ساخته بودند. بهر حال من بخاطر فشار اداره سانسور و مجامع مذهبی کاتولیکی، به‌ناچار آگاهانه مرتکب بعضی خطاهای شمل من ابتدایی‌و استم‌هیج وزلی به‌ضیبه اروتیک رابطه «هومبرت» با «لولیتا» به‌هم و بخاطر اینکه با وضوح به وسوسه جنسی وی اشاره نشده بود، عاشق شدن او، بسیار سریع و غیر منظره تصور می‌شد. و حال آنکه در نوول نابوکوف، مساله عشق او چیزی است که در بیان به‌صورت یک کشف، آشکار می‌گردد، زمانیکه لولیتا دیگر یک حوری بچه سال نیست، بلکه زن خانه‌دارست شسته و حمله. و این بواجبه وی بردن ناگهانی به عشق هومبرت است که در واقع یکی از نیش‌دارترین نکات داستان جلوه می‌کند.

البته اگر که فیلم در چند ساله اخیر ساخته می‌شد، هم‌اداره سانسور، هم مجامع مذهبی کاتولیک، دیگر کوریک را گرفتار دردمسر نمی‌کردند، چرا که آزادی بیان مسائل ناگفته جنسی در سینما، در خلال دهه گذشته به آهنگ قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. می‌الوسف حتی در سینمای شراپط دهال قبل، کوریک نتوانست در این فیلم، رنگه‌اشی از گرایشها و کیفیات اروتیکی را که در رابطه هومبرت با لولیتا نهفته بود، از همان آغاز نشان دهد.

نخستین تصویر فیلم، دست هومبرت را نشان می‌دهد که در امتداد عرس برده ظاهر شده و همچنانکه او سرگرم لاک زدن ناخنهای پای لولیتا می‌باشد، دستش نیز شروع به‌نوازش کردن پای او می‌کند. این رفتار، تلویحاً اشاره به طبیعت بی‌منطق هومبرت نسبت به لولیتا پست و چاپلوسانه شیفتگی و شوق

توس و فضا لولیتا کوریک - ۱۹۵۳  
استرلیت هاین در کستار - ۱۹۵۴  
لورلف مشهور از راه‌های انصار - ۱۹۵۷  
لولیتا - ۱۹۶۲



# بارگاه باشکوه در ۱۶ کیلو

## گزارشی از پشت صحنه فیلم



● اکب هرمندان فیلم «هارون الرشید» در یک قایق در رود کارون

است وقتی آگاه شد «یحیی عوی» آزاد مرد ایرانی در بارگاه هارون الرشید اسیر شده همراه دوستش راهی بغداد میشود و بعد از عبور از «شط العرب» قدمیچاک بیگانه می گذارد و در آنجا اتفاق غیرمترقبه ای می افتد یکی از زنهای حرم سرا (خواهر زن هارون الرشید) «عباسه» گرفتار عشق او میشود که حوادث شیرین و پرمخزانی را ۶ ده سال دارد.

سوزی فیلم «هارون الرشید» و جعفر برمکی» روی این عنوان و زمینه است و آنروز که ما برای تهیه گزارش از پشت صحنه آن به استودیو پارس فیلم واقع در کیلومتر ۱۶ جاده کرج رفته بودیم در دگرزهای عظیم استودیو مقابله بهزاد پارس و پارش را با چانه مرد عرب که نگهبان بارگاه هارون بودند و میخواستند مانع ورود آنها به مارگه شوند، فیلمبرداری میکردند.

«امیر شروان» کارگردان فیلم بعد از تمرین طولانی پامردانیکه نقش نگهبانان را بازی میکنند و باید با «ابلوش» (بهزاد پارس) و دوستش (میری) که نقشش را بازی میکند مقابله نماینده دستور فیلمبرداری داد و «محمود کوشان» آماده پشت دوربین با حرکت تراولینگ کلید دوربین را زد و صدای چرخش فیلم در کاست دوربین حاکی از ضبط ماجرا برنواژ سلولوئید بود.

آنها روز قبل از سفر خرمشهر به تهران بازگشته بودند در حالیکه آخرین روز فیلمبرداری مراجعت «بهزاد پارس» بافتساق

● رود کارون همانطور که اکنون شهبای خاطرمانگیز و رویایی دارد در زمانهای قدیمه که نامش «شط العرب» بوده شهبای بی زیبا و رویایی داشته است. مردم در کنارهای قشنگش به نادی و طرب و عیش و عشرت می پرداختند ولی این شها گهگاهی اختصاص می یافت محفلا و فرمائروایان که در شهرهای مجاور آن مثل «پسر» و پا دورتر «بغداد» و با خرمشهر کنونی حکمروایی میکردند و این شهبای بود بسیار پرشکوه و بیاد ماندنی... تاجانیکه پس از گذشت سالها پس از حفظ خاطراتش در سلطور، بدعفات نیز به تصویر برگردانده شده است.

همانطور که رود کارون در حال حاضر ایران را از ممالک عربی جدا میکند و در واقع مرزی است میان ایران و یکی، دو کشور عربی، سالها و قرنهای پیش هم چنین بوده، با این تفاوت که در گذشته «شط العرب» نامیده میشده است.

در زمان حکومت «هارون الرشید» خلیفه مقتدر عباسی مانند اکثر خلفای دیگر در بارگاهش «حرم سرا» بازتهای متعدد وجود داشته است که این زنها را حاجبان و نزدیکان او از کشورهای مختلف برای پیدا میکردند. گمانگه یک پسرش بنام «مامون» از مادی عرب و پسر دیگرش «امین» از مادی ایرانی زاده شده بود و همین مسئله بعدا بر سر حاکم شدن امین و مامون میان ایرانیان و اعراب اختلاف ایجادت.

«بهزاد پارس» که یک جوان دلیر و نیرومند ایرانی بوده

● فیلمبرداری از صحنه ورود دو ایرانی به بارگاه خلیفه عباسی



● کار فیلمبرداری در رود کارون تمام شده، اکب از مجموع کار رضایت دارند





# هارون الرشید متری تهران

هارون الرشید و جعفر برمکی

گزارش از: یوشاشما دیان

● بازگاه هارون الرشید... ویک تنس برای هرمدان فیلم «هارون الرشید»



گرمیور ارشا هوشمند» هریشگی را که در داخل دکور، داخل پلاتو کار داشتند آماده کرده بود کارگرهای فی پاستور «امیر شروان» کارگران و محمودکوشان» فیلمساز دورین و وسایل دیگر را به داخل پلاتو می‌بردند و مابین همراهِ آنها قدم به پلاتو می‌گذارید... صحنه «بازگاه هارون الرشید» است.

هارون الرشید «الرضا رخشان» جعفر برمکی «السعستان» عامه «وجستان» زیند، حشر هارون الرشید «الزین» حسین علوی «حسبت الله طوره» جلال «المرزالی» و صدای از نزدیکان هارون در آن صحنه که هارون الرشید میخواست از حسین علوی بازجویی کند و سپس دستور قتلش را به جلال بدهد، حضور داشته.

این صحنه‌ایست بسیار جالب که برای فیلمسازی آن هریشگان باید تاسیج در پلاتو بماند چون قلا نورها آماده شده بود خیلی زود پلان نخست بعد از چندبار تمرین آماده فیلمسازی شد. دورین از روی صورت مرشد «رخشان» هارون الرشید به عقب تراولینک میگردید در حالیکه او مشغول بازجویی از حسین علوی و نقلی برای حاضرین است.

دورین حین صحبت کردن هارون الرشید بقصدی به عقب تراولینک نمود تا تمام پلاتوی بزرگ پارس فیلم را که «دردگورسه» شده بوده درکنار می‌گردیدم افرادی که ذکر شد در این پلان دیده میشدند در حسابیکه بحیسی علوی گوشه‌های بسته بسته ایستاده

بقیه در صفحه ۳۹

«حسین علوی»، عامه و دوست بهزاد را بوسیله قایق که پیروز و سرباز به کنور باز می‌گشتند در رود کارون فیلمبرداری کرده بودند.

و چون به محض ورود اکیپ سازنده به تهران تمام عوامل فراهم بود و صحنه های لازم آماده فیلمبرداری، لذا بدون درنگ و تأمل کارشان را در تهران دنبال نموده بودند...

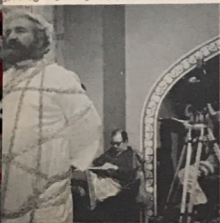
... در پلانی که اینک فیلمبرداری میشد بهزاد پارس بعد از پیروزی به مردان عرب بدون تأخیر به بازگاه هارون قدم میگذاشت. دورین در لاشکات قرار داشت و وقتی فیلمبرداری انجام شد تمام کارها به داخل کارگردان صورت گرفته بود، محمود کوشان بعد از آنکه بهزاد پارس و دوستش با پیروزی برنگه‌بازان - دیون بازگاه رفتند با حرکت تراولینک دورین را به روی یک مرد عرب که بنست بهزاد از پای درآمده بود فیکس می‌کرد.

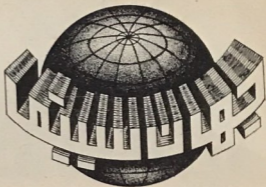
این پلان بعد از چندبار تمرین فیلمبرداری شده بود ولی بقصدی مشکل و سخت برای بازیگران و فیلمساز که چند حرکت مختلف با دورین داشت بعد از دستور «کات» و از حرکت ایستادن دورین از ایلووش که مردی است توهمند و قهرمان گرفته تا آن سیاهی لشکر لاش و نجف همه پشت خسته شده بودند و میری تقریباً بی‌حال در گوشه‌های روی زمین افتاده بود.

بهزاد پلانهای عمومی دیگر و کلوزآپهای این صحنه قلا فیلمبرداری شده بود و آنسوی که کوکم میرفت تا آنقاب غروب کند

● امیرشروان یک سیاهی لشکر یاد میدهد که در برابر «ایلووش» چگونه کار کند

● تا نور آماده شود، چند دقیقه میبندد استراحت نمود حتی با زنجیر





زن فیلم که موجودی کروالاست، ماجراها مطرح میشود. اسم این دخترک «Hchhe» نیز به‌عنوان فیلم تعاقب گرفته، بازیگرش «ژان کلود بوتین»، «ماری موبو» و «جیونوتر» به نقش اصلی فیلم نام دارند.

### گاوچرانان کالیبر

● وسترن نازمای است از «بیک ریچاردز» فیلمساز جوان آمریکایی که فلا در تلویزیون فیلم میساخته است. فیلم «گاوچرانان» او با شرکت «بن‌ماریج» که در فیلم تابستان ۴۲ نقش اصلی را برعهده داشت، ساخته شده است. داستان فیلم براساس نوشته‌های از دیک ریچاردز و گرگوری پرتیس ساخته شده و فیلم را کمپانی فوکس در دنیا توزیع میکند.

### او کلاهها

● استانی کرامر بسیاری کمپانی کمدی فیلم «او کلاهها» را میسازد که جورج ساسکات و فرداناری نقش‌های اصلی‌اش را برعهده دارند. داستان فیلم براساس نوشته‌های از «نورمن کلارک» ساخته بقیه در صفحه ۳۵

آلمانی که او را در فیلم‌های چون «گوتسهیران آنتوسا و نوپایی» دیده‌ایم سازگارگردانی فیلم «قصر» براساس داستان مشهور «کاکا» که کاندید دریافت‌جایزه اسکار هم شد، در فیلم نازمای باسم پولینا ۱۸۸۰ طاهر شده و نقش یک کت را در آن ایفا کرده است.

این فیلم را «ژان لئوسی برتولچی» که یک کارگردان ۳۰ ساله فرانسوی است ساخته. این فیلم دومین کار اوست و عده‌ای از منتقدان کار او را برمایه‌های «ویکتور» فیلمساز ایتالیایی به حساب آورده‌اند.

### فیلم جدید «وادیم»

● از روزبه‌وادیم فیلمساز فرانسوی که این روزها فیلم «صف دختران خوشگل» آخرین فیلم آمریکاییزه شده او را در تهران نمایش میدهد، فیلم جدیدی آماده میشود که در آن ازستاره‌های جنجالی و مشهور چون چین‌فاندا یا باربو خری نیست. این فیلم براساس داستانی نوشته‌شده «وادیم» ساخته میگردد و از دید قهرمان

### خانم تفرین شده عشق، جنگ است

● «براسکارسن» آکتور محبوب سوئدی‌ها در یک فیلم فروزی کسی ظاهر شده که احتمالاً قوی‌ترین فیلمی است که درفروز تا بحال تهیه شده است. سایر نقش‌های این فیلم را «ایونینگدال» اوزبورگن‌نیلسن بازی کرده‌اند. سازنده این فیلم «راگنارلاره» نام دارد.

### فیلم تازه ماکسیمیلان شل

● ماکسیمیلان شل آکتور

این عنوان یک فیلم «زینر» ایتالیایی است که فیلمسازی باسم «ژان لویی مانیان» ساخته و نظیر فیلم‌های معمولی خود مشغول از یک سری صحنه‌های خست‌کننده و کسی است که ساختن این قبیل فیلم‌ها این روزها باز درایتالیا رواج پیدا کرده، بازیگران فیلم «فیلم لروی» اریمانسک، رابرت‌فاین و آدولف‌جان، هستند.

### نقش تازه‌ئی برای پیترو تول

● پیترو مدهاک فیلمساز مجارستانی پس از دو فیلم «تگانیس» و «اجواگر» اینک فیلم سوم خود را عرضه میکند که داستان فیلمش ماجرای یک کتت باسم «اکت‌گارسن» را بیان میکند که نوعی یک مسیح مدون است! کتت گارسن به عرض «مانیاسک» دچار است؛ هم بترشد با برده‌ها و در عین حال این که کتت همسر زیبایی هم دارد و باز کتت ایفا میکند که یک جور مسیح عاقل و شریف عنصر حاضر بشمار میرود. داستان فیلم براساس نوشته تراژدی سیاه «پیترو بارنز» نوشته شده و نقش‌های اصلی آنرا «پیترو تول» (به نقش کتت) و «کارولین سیورا» بازی کرده‌اند. نام این فیلم «The Rulingclass» می‌باشد. تصویر فوق این دو بازیگر را در صحنه‌ای از این فیلم نشان میدهد.





● تصویرهای  
لورل وهاردی  
- باستر  
کیتون و  
چارلی چپ

● چارلی چاپلین



● «جرمی لوتر» در «جواهرات فامیلی»

# سینمای کمدی

ار : سعید صالحی

● سینمای کمدی مترادف با خنده و نشاط است. بدون شک سازندگان این سبک فیلم، هندی چپ به نشاط آوردن و خندانن تماشاچی ندارند و چون خنده معاول شادی است. همین مناسب طرفداران این قبیل فیلمها است به سبب فیلمها بیشتر است. غیر از این، دلایل دیگری نیز می‌توان ذکر نمود که باکی و صداقت موجود در این قبیل فیلمها از آن جمله است.

معمولا فیلمهای کمدی برای عکس دیگر سبکها که طرفداران خاص دارند، خواص و مشخصی ندارد زیرا عموما از دیدن اینگونه فیلمها لذت می‌برند. به‌وجود آمدن این سبک فیلم همانگونه که تا قبل از پیدایش آن سینما کمبود داشت. بیشتر می‌هون سبکها و نمایشات زنده تئاتری بوده است. و بعد که سینما توانست لحظات را روی نووار سلولوئید ضبط نماید، سینماگران از سبک و کارناوال بهره بردند که نمونه‌اش نمایشات خیمه‌شب‌بازی و عملیات دلقکها و کونولها بود و بهترین عامل نصح گرفتن فیلمهای کمدی به شمار می‌رود.

اصولا تماشاچی يك نیم کمدی با خاطر فرستی که در مس نگاه کردن تصاویر برای تعجب پیدا نمی‌کند، بیشتر خواهان «نظارت» کمیک و خنده‌آور است. لذا بعدها سبک «اسلپ‌اسنیک» یا به‌معنای گذشت که لحنی سریع و روانی‌تند داشت. اینگونه فیلمها که مشخصترین نمونه‌های کمدی سینما می‌باشند، بخاطر همین سرعت و زود گذر بودن صحنه‌ها ناچار به سوز و غایب روی آوردند که در عین‌خنده دار بودن مجال فکر به تماشاچی نمی‌داد. معمولا ساده‌ترین عکس-العملی که پهننده از صحنه‌های کمیک از خود بروز می‌دهد تلیک خنده‌های سدا دار و بلند، کشندهای منقطع و اشک به چشم آوردن از فرط خنده می‌باشد که البته کم و کیف آن بستگی به نوع صحنه‌ها و بازی هنرپینگان کمدی دارد.

فمن هنرمن کمدی در این میان بی مهم و قابل توجه می‌باشد. این آرتیست کمدی است که مردم را برای خندیدن به سینما می‌کشد و البته در صورت داشتن یک سوز خوب و خنده‌دار دیگر فیلم

نفسی بخشواهد داشت. هنرمن کمدی سینما که ستاره اینگونه فیلمها به‌شمار می‌روند کمتر با بهره راسین و واقعی خود ایضاً نقش می‌کنند. ابتدای دلیل آنکه حرکات و نمایشات آنها جنبه سبکی و تئاتری دارد، و بعد به دلیل اینکه چهره‌های واقعی و ساده آنها در دوران سینمای صامت هیچگونه عکس‌العمل و واکنشی در پهننده پدید نمی‌آورده است، لذا معروفترین هنرمنان کمدی سینمای مجوز به بعضی وسایل بودند که باعث خنده تماشاچی و متعجب شدن آنها می‌شد. معروفترین و برجسته‌ترین کمدین‌های سینما کاز سال ۱۹۲۰ مردم را به سینما کشاندند و در صحنه کمدی درخشیدند اینها هستند. دیویس فیلسد (با علامت منحصه شکست سفید و کلاه حصیری) - ادوان (با کلاه کوچک خنده بچگانه) - برادران مارکس، و گروه پانسیل سیاه و شیکار برگ بزرگ (برگ) - شیکولی‌لال - هاریز (با موهای مجعد و بچگاناناش) - جوکوگ

(که بیشتر از لباس دلقکها استفاده می‌کرد) - دودچس سبکی‌ها بکیتون جویس - فانی پرایس (در نقش «بیسی‌سوک» بالایی شب که عهیت همارا به‌تن می‌کرد) - ادی کاتنور ویل جورج - جوی ارون - فنی آریوکل - لاری سیسون - هری لنگدون - باستر کیتون (با کلاه مخروط و سوزنی برده) - هارولد لویلد (با عینک گرد پی و کلاه لبه‌دار) - چارلی چاپلین (با عضای بلند پهنیده و کت‌های گشاد) - لورل وهاردی (با چته ریز و درشت خود) - رونالد کلمن - پیدائیلز - آلبرت نوالیه - جکی لیندر - فیبل نورماند - جاس نورانه - اساب یولارد - ماستس ویلس‌های کی‌اسون (که معرف جان‌بانی و فلورا فیس بود) فرانتل - آلبرت سوری - توتو رداکستون - دنی کی - باب‌جوب - میکی رونی - جان کلوود - جری لولیس - پیتر سترز و ... این‌ن شاید کاملترین لیستی

تقیه در صفحه ۴۰  
● صفحه ۱۹

## ایرج قادری و قضیه تعطیل فیلمبرداری بخاطر مسابقات ورزشی؟

● هنگامیکه از پلنهای آبراهامی که در طبقه فوقانیاش ایرج قادری سکونت دارد بالا میروم، صدای که بگوش میرسد و با بالا رفتن من از هرپله، شدت آن افزوده میشود توجهام را جلب می‌کند و به پشت در طبقه مورد نظر که می‌رسم این صدا که صدایات فوتبالیستهای تیم ملی ایران و تیم کره شمالی را در یک بازی تشریح می‌کند باوج خود رسیده و من بی اختیار یکی از میانین ورزشی را در نظر مجسم می‌کنم و انگار که پاکشود شدن در، من به چنین میناس پا خواهم گشتاد و از نزدیک شاهد مسابقه فوتبال فیما بین تیم ملی ایران و تیم کره شمالی خواهم بود و خلاصه وقتیکه رو در روی قادری قرار می‌گیرم، وی در کنار زانویه نشسته و سراپا گوش بزرگ حرفهای مفسر ورزشی که مسابقه مزبور را که در پاکستان برگزار می‌شود و مستقیماً هم‌بوسیله رادیو بخش می‌گردد، رپورتاژ می‌کند است و خودم هم احساس می‌کنم که قادری تاآن حد مجسم این مسابقه میباشد که حال و حوصله درست و حسابی برای یک احوالپرسی حاصل ندارد و در هر صورت متهم اینهمه علاقه قادری را به فوتبال تعیین ننوده و در کنار او گوش دادن آنچه که از رادیو شنیده می‌شد متشوق گردیدم و یا گمانی که سفر آبراهامی وارد دروازه کره شمالی می‌کند است و خودم هم احساس می‌کنم اختیار فریاد خوشحالی مرتکبم و زمانیکه کلاهی دومین گل ایران را در قلب دروازه کره شمالی‌های میدهد، سرود و شادمانی هر دو افزون شده و خلاصه پس از پایان

مسابقه قادری تاآن اندازه تحت تاثیر بی‌روزی ایران بوده که قهقهه سر میدهد تا گنگه نماند که در تمام این مدت که مسابقه مذکور جریان داشت، تلفنهای که به قادری می‌شد تماماً بی‌جواب می‌ماند!

در هر صورت در اینجا فرست را مغفقت شمرده و از قادری در مورد بطور کلی ورزش و علاقه‌اش نسبت بدان، سؤال نمودم و قادری هم اینگونه جوابی من می‌شود: — دو سال بیشتر از سن منی گذشت که یک توپ بعنوان کادو بمن داده شد و از همان زمان من عاشق فوتبال شدم و لگم که بزرگتر گردیدم، تحت تاثیر علاقه

فوق‌العاده یکی از برادرهای بزرگتر خویش، علاقه‌م به بسکتبال شدم و شروع بهترین در این رشته ورزشی کردم و در دوران دبستان سن آنکه کاپیتان تیم بسکتبال دبستان بصلاب می‌آمدم، به بیسک‌بک نیز علاقه نشان داده و دیگر آنکه به نرئسی هم در زمینه ژیمناستیک پرداختم.

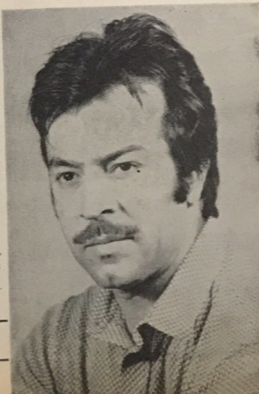
و اما پس از رامیابی دبیرستان تسلیم گرفتم به یک رشته ورزشی دیگر هم روئکم و روی همین‌اسبل هاتر را برگزیدم و سنن یکی از تهریات که هاتر را روی‌سنه‌ایم بلند کرده بودم، هاتر روی معافم سفود کرد و سبب خویرری شنیدی شد و تا به آن حد این خویرری ادامه یافت که من در وهله اول به اسپه چهره معروف بودم و بعد دچار آنجان کپوئی سختی گشتم که عنوان اسپید چهره مسرووفیت یافت و مادرم که بیوسته به یکی از برادرهایم بعث چهره روشن او

توجه‌ای خاص داشت، تسوجه‌اش بیشتر بسوی من جلب شد و در واقع من جای برادر خود را گرفت بالاخره آنگاه که سینمای ایران مرا بسوی خود کشانید و من فعالیت سینمای خود را در دست گرفتم، وقت وامکان دلخواه برای فعالیت هم‌گیر در زمینه ورزش‌اش من گرفته شد ولی سعی کردم هیچگاه از رویدادهای ورزشی‌بشودر نبوده و تا حد امکان دنبال ورزش را بگیرم. — نظر تو در باره تلفیق ورزش و سینما چیست؟

— یک بازیگر سینما اگر تجربیاتی در زمینه ورزش داشته باشد، در ارائه نرتمش خاص برای وی چند قابل ملاحظه‌ای موثرتر میباشد و بتقدیم من تلفیق ورزش و سینما مفید است و خیلی هم مفید!

— در مورد ورزشکارانی که به سینما وارد کرده‌اند و یا باکمکم چه می‌گویی؟

— همانطوریکه گفتم ورزش امری لازم برای بازیگر سینما میباشد و اما ورود ورزشکاران به سینما هیچ مانعی ندارد و البته نباید فراموش کرد که اگر ورزشکار، در زمینه‌هر سینمایی واجد صلاحیت لازم باشد، بقول معروف، نوعی نور می‌شود و بخصوص آنکه اتحاد و همبستگی و آن یک‌رنگی که در ورزش بیستم میخورد و فی‌الثلل برای بشر رساندن یک گل به دروازه حریف، همه پرورچه‌های بازیکن یابستی همکاری کرده تا نتیجه دلخواه حاصل بشود، در سینما خواهد توانست به دست‌یابی موقعیتی استثنائی، کمک موثر باشد. — در میان ورزشکاران مختلف کار کدامیک را بیشتر می‌سنیدی و شما در مورد تیمهای محبوب خود نیز صحبت مختصری بکن: — «تختی» را فراموش نمی‌کنم و این «جهان پهلوان» نفید که بقیه در صفحه ۴۱



# صفر ایرانیاک

● دیده و شنباه شده است که فیرمان ورزشی، بسیار باسینما نوجه نشان میدهد که این نشان، بیش از آملهای معمولی دیگر است، اینها بیشتر سینما میروند، بیشتر فیلم میبینند، گاهی دانش خوبی از سینما دارند و حتی برخی از آنها دربرحله‌ای، به سینما روی می‌کنند...

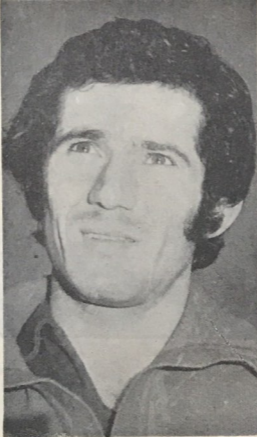
در سینما، معمولاً فیلمسازی مسورد توجه واقع میشود که علاوه بر امکانات مادی، ملاحظه، ابتکار بیشتر، ظرافت، دقت، فرصت طلایی داشته باشد، عین این خصوصیات در مورد «ورزش» هم صادق می‌کند؛ فرضاً باکفونالیست علاوه بر قدرت بدنی، باسی‌نسن آگاهی از فنون کارش، ظریف، دقیق، فرصت جو و مبتکر باشد.

بهرحال از این هفت ما با فیرمان ورزشی و هنرمندان موفق سینمای ایران به گفتگو می‌نشینیم و علاقی آنها را به زمینه مخالف جوانی می‌نویسم و حالا...

سفر ایرانیاک بازیک تیم ملی و پرسپولیس را قبل از عزیمت به پاکستان برای انجام مسابقات ایران و کره شمالی ملاقات کردیم با اینکه گرفتاری فراوانی داشت ولی با اشتیاق فراوان به سوالات ما جواب داد.

در مقابل سوالات ما چنین جواب گفت:

● سینما برایت چه معنی و منتهوی دارد؟  
سفر ایرانیاک: سینما را بخاطر پناهنش گذاردن زندگی دوست دارم و بیشتر مواقع نمونه‌هایی از زندگی واقعی را درونش می‌بینم.



● فخری خوروش و عزت‌الله انتظامی هنرمندان محبوب من هستند

● «گلو» و «آگراندیسمن» را بیش از هر فیلم دیگری پسندیده‌ام

● سینمای ایران باید بیشتر متوجه فیلم‌هایی باشد که اصالت و رنگ ایرانی داشته باشند مثل «رگبار» و «گاو»  
● دلم می‌خواهد پیروز و تسوفی و فردین فوتبال بازی کنند

● سینما را دوست دارم ولی عاشق فوتبال هستم.

● از چه نوع فیلمی خوشنتان می‌آید؟  
مرد ایرانی، مورد علاقه شماست؟  
سفر ایرانیاک: تمام هر...

بیشه‌های ایرانی، خوب هستند ولی من خصوصاً فخری خوروش و عزت‌الله انتظامی را می‌پسندم ایندو بیشتر بخاطر ایفاء نقش ماهرانه و خوششان مورد علاقه من هستند.

● کدام هنرپیشه (زن یا مرد) را بیشتر می‌پسندم.  
● کدام هنرپیشه (زن یا مرد) را بیشتر می‌پسندم.

## از: داریوش سعیدی

مرد خارجی، مورد علاقه شماست؟  
سفر ایرانیاک: چارلز - روسون و رومینا پاور بخاطر فیلم «مردی که از پستان آمده» و «جوانان زیر آفتاب»  
● بهترین فیلمی که دیده‌اید چه خارجی و چه ایرانی چه بوده است؟

سفر ایرانیاک: فیلم کاو را بخاطر سوزناسانی و عاایش پسندیدم و فیلم «آگراندیسمن» را بخاطر خلاصیت فراوان نویسنده و کارگردانش «میکل آبلجو» آنتونیونی.

● معمولاً وقتی سابقه‌ای ندارید چندبار در هفته به سینما می‌روید؟  
سفر ایرانیاک: من چون اغلب صبحها بیکار هستم ترجیح میدهم که فیلم ببینم و همین جهت در هفته ۲ یا ۳ بار به سینما میرم.

● وضع سینمای ایران را چگونه می‌بینی؟  
سفر ایرانیاک: سینمای ایران در سالهای اخیر بیشترت فراوان کرده و همانطوریکه سطح فکری مردم بالا رفته است سینمای ما نیز ترقی زیادی داشته است، نمونه - اش، فیلم های خوبی است که اخیراً می‌بینیم.

● بنظر شما در سینمای ایران چه نوع فیلم‌هایی باید ساخته شود؟  
سفر ایرانیاک: عقیده من باید بیشتر سینمای ایران متوجه فیلم‌هایی باشد که اصالت و رنگ ایرانی داشته باشند مثل رگبار - گاو - و...

● کدامیک از هنر پیشه‌های فیلم ایرانی را در محیط ورزشگاه دیده‌اید؟  
سفر ایرانیاک من بیشتر چهره های نظیر - آرمسن - ناسر ملک مطیعی - محمدعلی جعفری - عزت‌الله مطیلی - واد «امجدیه» دیدم.

● اگر هنرپیشه‌ها می‌توانستند بقیه در سینه ۳۹



## از قاطبه بشنوید :

### نوذر آزادی :

\* عده‌ای با انتخاب من میخواستند هنریشه آقای «بروک» را بخدمت در آورند و پا به جای آن حضرت بگذارند و از این گذرگه شهوت نام‌آوری خود را ارضاء کنند و گر نه توجه زیادی به کیفیت کار من نداشتند .  
 \* برای بازی کردن تیب «قاطبه» در سینما ، دستمزدهای قابل توجه و قرارداد های فریبنده‌ای بمن پیشنهاد و من ...  
 \* عده‌ای باصطلاح پیش کسوت و کتفگیر به ته دیگ خورده وبال گردن ناآتر این مملکت شده‌اند ...  
 \* غفاری ، کیمیائی ، گلستان ، حاتمی ، مهر جوئی و مقدم، وجودشان برای سینمای ایران مایه امیدواری است .

نباید . علاوه بر این در دو فیلم نکارگردانی ابراهیم گلستان و علی حاتمی شرکت نموده که پروتیه خواهد بروی برده آمدن آنها خواهیم بود . علاوه بر این آزادی خود دستی نغم دارد و باحال چندین نوشته و همکاریهای باسبوعوات عسوان منتقد ناآتر داشته است . فرصی نسبت داد نا گنگونی با این چهره سرشاس ناآتر واخبرا سمای ایران داشته باشیم . توجه

شد . دو سال قبل بازی آزادی توجه «بیزبروک» کارگردان مشهور را که جهت شرکت در جشن هر شیراز به ایران آمده بود جلب کرد . و باعث شد که بروک نقش را در نمایشنامه معروف «اورگالت» به او محول کند . والحق که آزادی از اجرای این نقش سرفراز بیسرون آمد . درحال حاضر نوذر دوپس ارزنده آماده کرده است نا بروی صحنه آورد و با درتلویزیون صحنه

گوینده رادیو کرمانشاه زادگاهش شد . نوذر بعدها به همکاری با گروههای مختلف ناآتر پرداخت . با اجرای نقش «قاطبه» در سریال اخبارپوس شهرت فراوانی بدست آورد ، که توجه بسیاری از فیلم سازان را بسوی او جلب نمود . این توجه باعث جدائی نوذر از ناآتر شد و او درجواز کار تلویزیون اجرای نقشهای مهمی راندریسهای مهم ایرانی و خسارچی عهدمدار

اشاره «نوذر آزادی» احتیاج به معرفی ندارد چرا که برای انخاصی که نسای هرچند اندک با ناآتر ، سینما و تلویزیون دارند او سرشاس و آشناس و اشناسه این آشنائی چندان دلخواه برای آزادی نیست چرا که او ازچهره معرفی شده‌اش راضی نظر نمی‌رسد . آزادی کار ناآتر را از دوران دبیرستان آغاز کرد . وبعد به همکاری با رادیو پرداخت و بعد



## خبرهای تلویزیون

بازگشت به تلویزیون

● «فرزانه تأییدی» بازیگر سرشناس تئاتر که چند سالی از فعالیتهای هنری خویش در ایران دست کشیده بود و بنازنگی اپنای رول در دو فیلم «هشتمین روز هفته» و «جهنم باسافه» را با تمام رسانیده است، اخیراً برای همکاری در تلویزیون دعوت شده و علاوه بر آنکه فرزان را کاندیدا برای اجرای دو سه برنامه تلویزیونی کرده‌اند، همچنین در نظر است که اپنای رول مقابل «محمد علی کشاورز» را هم در نمایشنامه‌ای تحت عنوان «بختک» که دکتر سعید آفرآر رشته تخریب در آورده و «کشاورز» نیز کارگردانسانش را عهده‌دار میبندد، به «فرزانه» واگذار نمایند و باین ترتیب بزودی شاهد بازگشت فرزان به تلویزیون خواهیم بود.



محمد ولیلا

● در نظر است که برنامه اول تلویزیون را که برنامه‌های آن اکثراً در زمینه‌های بخصوص تنظیم شده است و بقولی کثیر تنوع در آن چشم میخورد، دچار تغییر و تحولی گردانیده و یک مستندار سرپالها و برنامه‌های تلویزیونی جدید و پرسروصدا برای بخش از برنامه اول آماده کنند.

● نمایشنامه «بی‌بته» نوشته ایرج پزشک‌زاد برای ضبط آماده می‌شود تا در موقعیتی مناسب از تلویزیون پخش گردد و اسماعیل شنگلاکه کارگردانی «بی‌بته» را انجام میدهد، از یک سده چهارده جوان برای همکاری با گروه باسافه خود در «بی‌بته» استفاده خواهد کرد و باین ترتیب ترکیبی از چهره‌های جوان و نیز چهره‌های باسافه در این نمایشنامه تلویزیونی بوجود می‌آید.

● سعد، تیبی که روزی سیاد در برنامه‌های تلویزیونی ارائه داد و مورد توجه واقع شدن آن، پایش را در سینما کشاید و هم‌اکنون نیز سومین فیلم آزرسی فیلم‌های سینمایی سعد در دست تهیه میبندد، ایزدروها در برنامه تلویزیونی «سرکار استوار» مجدداً عمل کرده و زمره‌هایی در مورد اینکه یک سرپال تلویزیونی مستقل از سعد و ماجراهای تهیه شود بگوش می‌رسد و بعد نیست که این امر صورت گیرد، و بد نیست بدانید که یکبار نیز، چنین تصمیمی گرفته شد ولی بعد تعویق افتاد و اینبار گویا بازمه مینو شفیق که در واقع نخستین ستاردهای بود که در تلویزیون رول لیلارا در دکاتر سعد ایفاء کرد، در غالب لیلای ظاهر خواهد شد و در صورت شروع سرپال تلویزیونی سعد، در کنار سیاد بازی خواهد نمود.

شما را به این گنگو جلب می‌کیم.

تلاش‌های

(مصاحبه با نوذر آزادی)

● شما در زمینه نمایش کارهای گوناگونی از قبیل کارهای تلویزیونی، تئاتر و سینمایی اشتغال دارید که دارای ارزشهای تنبیری هستند، و در یک خطبیر نمی‌باشند. چرا فعالیت خود را در یکی از این زمینه‌ها متمرکز نمی‌کنید و وضعیت کنونی خود را به چه نحو توجیه می‌نمائید؟

آزادی: عده‌ای از دوستان آشنایان و حتی بازیگران و کارگردانان تئاتر و تلویزیون مرا به سخت‌گیری و در برج عاج نشستن و باسلاح‌حفاظه بالاگذاری منتهی می‌کنند و عده‌ای دیگر برعکس به‌آسان پسندی و در زمینه نمایش کارهای بازی و تخیلی برداختن محکوم می‌نمایند. این رستنی است برای توجیه وضع خودم. درپایخ کسانی که می‌گویند چرا در کارهای خود و بهره‌گیری از استعداد خویش امسک می‌ورزم باید بگویم حتی یک فرشته دوره‌گرد هم خود را مجاز به دادوستد هرگونه کالاسی نمی‌داند چه رسد به یک هنرمند که هرگز شایسته پایمان برای کارهای بعدی او و پلی در ارتباط وی با مردم است. بعد از اینکه من در «ازگاست» اثر پیتر بروک بازی کردم و چند شریه خارجی کار می‌کردم و ناچار تحسین کردند، پیشنهادهای بسیاری برای بازی در نمایشنامه‌ها دریافت کردم که اکثر این پیشنهادات از طرف کسانی بود که با انتخاب من فقط میخواستند هنرنمایی آقای

بروک را بمنت در آورند و یا به جای پای آن حضرت بگذارند و از این گذرگشت نام‌آوری خود را ارشا کنند و گرچه توجه زیادی به کیفیت کار من نداشتند. در این باره باید بگویم، من غیر از صلاحیت و استعداد شخصی خودم نیخواهم هیچ عامل و پیستون دیگری برای انتحابم در یک کار نمایشی اثر داشته باشد و مورد نظر واقع نشود.

و اما در پاسخ دوستان روشن‌فکری که معتقدند من بی‌بهره صرف انرژی و استعداد در زمینه‌های می‌ارزش و تجاری‌نمایش از قبیل فعالیت‌های تلویزیونی و سینمایی برداختم باید عرض کنم اولاً این دوستان از دورتسی برآتش دارند و در واقع سبک‌لانی هستند که در کنار گود به لنگش کس قاعت کرده‌اند. ثانیا باید بدانند که ارزش هنری من هرگز برتر و بیشتر از آن سرپال تلویزیونی و یا آن فیلم سینمایی نیست که بخدمت درآمدم و ثالثاً باید بگویم من یک هنرمند حرفه‌ای هستم. می‌توانم یک ربع قرن مسرر کنم تا پیتر بروک از آنور دنیا بیاید، مرا انتخاب کند، یا هر ار مشت درازگاست او بازی کنم و بعد هم بران مانا خدا بگذارند و بروند بامید اینکه دوستان تلویزیونی اچنانا بهی‌بخت بکنند و یا چه جیبی زندگی من از طریق نمایش نامین میشود و ازاین گذشته من معتقدم که کم کاری و دورماندن از صحنه قاتل استعداد بازیگری و قابلیت هنرنمایی است. یک هنرمند بی‌بهره نیست باید دررق ورزشکار جسم و روحاً در فرم دلمواری بوده و تحت‌تسلیمین موزیک









# مرد اجاره‌ای

● فیلمیکه بیک ایمانوردی، برای بازی در آن چندبار جانش بخطر افتاد  
 ● یک فیلم از خسرو پرویزی اولین فیلمساز «موج نو» سینمای ایران  
 ● مرد اجاره‌ای اولین فیلمی است که «پرویز مقصدی» برایش موزیک متن ساخته‌است

تظیم داشت (خانم معلم) بیابان رسانده.

برای پیاده کردن سوژه «مرد اجاره‌ای» که نخست تنها یک فکر و ایده کلی بود، خسرو پرویزی با اتفاق ری‌پور و امید همفکری و همکاری نمود تا آنکه بالاخره کامل شد سپس این سوژه کامل را که بصورت کاملاً سینمایی تنظیم شده بود «جمال امید» نویسنده معروف معاصر برایش دیالوگ نوشت و ستاریوی مسرد اجاره‌ای از هر جهت آماده فیلم برداری گردید. در تمام ایس فعالیتها «بیک ایمانوردی» مدیر عامل و تهیه کننده‌ی مرد اجاره‌ای هم در جریان بود و نگاه بسیار نظرات خود با تکمیل سوژه‌ی مرد اجاره‌ای همکاری مینمود. بهر - جهت مرد اجاره‌ای هنگامی جلوی دوربین فیلمبرداری رفت که بیک ایمانوردی قرارداد بازی در چسب فیلم دیگر را با تهیه کنندگان مختلف به‌امضاء رسانده بود و پرویزی با دقت زیاد صحنه‌ای را آماده فیلمبرداری مینمود تا هنگام فراغت بیک، فیلمبرداری شود لذا

● یکی از امتیازاتی که در

کارهای اخیر خسرو پرویزی، فیلمساز در واقع بیس‌گوت موج نو در ایران، پنجم میخورد دقتی است که او در انتخاب سوژه‌فیلم - عایش بعمل می‌آورد.

پرویزی مدتی است برای آن که قصه‌ی فیلمهایش از یک سوژه قرص و محکم برخوردار باشد با دو تن از منتقدین فیلم همکاری مینماید و با کمک و همفکری آنها داستان فیلمهایش را تنظیم مینماید و این دو منتقد و نویسنده سینمایی «بهرام ری‌پور و جمال امید» هستند.

بهرام ری‌پور خود سانه‌ی خوبی در ساختن فیلم کوتاه در وزارت فرهنگ و هنر دارد کسه آخرین فیلمی بی‌دع عنوان «جن» که در آن نورت گرمی عصمت صفوی و رمضان‌پور بازی میکردند.

«جمال امید» نیز منتقدفیلم است و تا کنون ساریو هائی برای فیلم نوشته است. وی این کار را با «گشتی نوح» آغاز کرد و اخیراً نیز ستاریوی تازه‌ای را که درست



اینک که « مرد اجاره‌ای » آسمان  
سایب شده است فیلم دارای لطافت  
زراون سینمایی است که پیش -  
پیش می‌نود با اقبال نودمی مردم  
و علاقمندان فیلمهای خوب مواجه  
گردد .

## هنرپیشگان

● نقش اصلی فیلم مرد -  
اجاره‌ای را **بیگ ایپانوردی** بازی  
میکند . این نقش نسبت بکارهای  
گشتی بیگ تفاوت زیادی دارد  
و در صحنه های زیادی از آن به  
انجام کارهایی که دیگر هنرپیشگان  
قادر به انجام آن نیستند نی  
داده است با نسانی که با بیگ -  
ایپانوردی در این مورد داشتیم  
میگفت :

- از میان هنرپیشگان معروف  
سینما گهگاه شاهد کارهای خطرناکی  
که «زان‌پل» بودند و در فیلمها انجام  
میداده بودند اما کنونی اخیرش  
بازی او در فیلم «گشت» بوده  
است انجام این کارها که بدون  
«بدل» انجام میگردد خیلی مشکل  
و دشوار است مثل صحنه‌ای که  
او در خیابان از روی اتوبوها  
مهربد و یا صحنه‌ای جالب اتوبوس  
رای این فیلم که تماما را خود  
بلوندو انجام داده بود - بدون  
افراق باید بگویم منم نظیر این  
کارهای خطرناک را که با جان من بازی  
میکرد بخاطر خواست سناریوی  
«مرد اجاره‌ای» در این فیلم  
انجام دادم بدون آنکه حتی برای

پلائی از آن از «بدل» استفاده کرده  
باشم و من هنگامیکه صحنه های  
مزبور را بعد از فیلمبرداری روی  
مویولا می‌دیدم خودم از مشاهده  
کارهایی که کرده بودم ترسیدم و  
فکر نمیکنم هنرپیشه دیگری در  
ایران سراغ داشته باشیم که بتواند  
چنین کارهایی را در فیلمها انجام  
دهد البته هنگامیکه فیلم به روی  
اکران آمد خودتان با مشاهده  
آن متوجه خواهید شد که تا چه  
اندازه ادعای من صحیح میباشد  
علاوه بر بیگ ایپانوردی که  
نقش اصلی فیلم مرد اجاره‌ای را  
بازی کرده است هنرپیشگان دیگری  
هم در این فیلم نقشهای عمده را  
بازی کرده‌اند که از آن میان می-  
توان از «فرحان» ستاره سکسی و  
خوش اندام فیلمهای ایرانی که این  
روزها با نمایش چند نقش سکسی

از او مثل «علام زاندارم» کار و  
بارش میان ستارگان سکسی سینمای  
ایران گل کرده است نامشرد .  
مرجان علاوه بر اینکه موقعیت خوبی را  
بعنوان ستاره سکسی نسبت کرده  
یکی از بهترین نقشهای سینمایی  
خود را نیز در این فیلم بازی  
کرده است و در یکی از رتکانه‌های  
خطرناک آن که بیگ ایپانوردی  
با مونتورسینک به انجام کار -  
های خطرناک ماینرت ورزیده بود  
او نیز که همبازی بیگ در این  
صحنه بود ناچالیکه جانش بحظر  
احاد وان هکنگی بود که بیگ با  
مونور از روی او کتبه‌مین احاطه  
بود میریخت.

فرح حاجتی هنرپیشه جوان  
و بازیگر خوب فیلمهای ایرانی نیز  
یکی از نقشهای عمده مرد اجاره‌ای  
را بازی کرده است که باید آرا  
یکی از بهترین کارهایش در میان  
فیلمهایی که تا کنون بازی کرده  
است دانست .

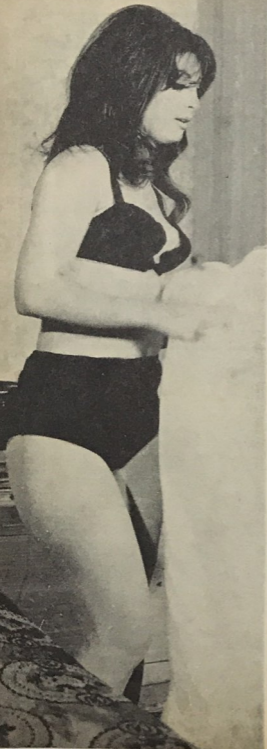
شهرزاد ستاره‌ای که اسامیل  
بخاطر بازی‌هایش در فیلم «دانش-  
آکل» کاندید دریافت جایزه سپاس  
بود اینبار یکی از نقشهای مهم  
مرد اجاره‌ای است که با ایضای  
آن ارائه دهنده یکی از بهترین  
بازیهای فیلم مزبور میباشد .

**جیانگنیر فروهر** «مسترکاف  
برنامه‌ی تلویزیونی اختاپوس»  
ناظری بازیگر نقش خوب (همسر  
نیلوفر در فیلم فرار از تله) و  
بالاخره صادق بهرامی استاد سابق  
الدوله معروف اختاپوس نیز هر-  
کدام نقشهای عمده دیگری در فیلم  
مرد اجاره‌ای بعهده دارند که هر-  
کدام با مهارت از ایفای نقشهای  
محواله برآمده است .

## موزیک

● برای مرد اجاره‌ای  
«پرویز مقصدی» آهنگساز معروف  
موسیقی متن ساخته است و این  
اولین فیلمی است که مقصدی  
برایش موزیک متن تنظیم نموده‌وی  
آهنگی جدید و جالب ساخته‌است  
که با صدای عارف در این فیلم  
استفاده شده است و پیش بینی می-  
شود با پیش آن در ردیف آهنگهای  
موفق و پرطرفدار روز قرار  
گیرد .

بقیه در صفحه ۴۹



# فیلمسازی آماتوری

از: فریدون م صالح

«خبرنگار فیلم و هنر درآلمان»

« ۸ »



واقعه مورد نظر فیلمساز در پلان  
های متعدد و مکمل یکدیگر بخوبی  
تشریح و تریف شود -

۳ - صرفه جوئی در ساریو  
نویسی

ممکن است این سؤال برای  
فیلمساز آماتور پیش نیاید که دیگر  
سرفه جوئی چه ربطی به ساریو  
نویسی دارد - برای جواب دادن  
به این سؤال باز بایستی مثالهایی  
را بیان کرد - ولی قبل از آن،  
باید بدانیم نکته توجه داشت که تهیه  
وسایل فیلمبرداری و فیلم خام  
خیلی گران است و همچنین وقت،  
رژیم را بازی میکند و ورزش  
زیادی (بخصوص از نظر مادی)  
دارد که سناریست بایستی در خرج  
آنها خیلی حساسیت بخرج دهد و از  
صرف زیادی و بیهوده آنها جلو  
گیری کند.

صحنهای فیلمبرداری میشود -  
کلاس درسی را نشان میدهند -  
آخر وقت مدرسه است - صدای  
زنگ مدرسه شنیده میشود و شاگردان  
با شنیدن این صدا کتابهای خود را  
جمع کرده و از جا بلند شده و طرف  
در میروند و از کلاس خارج می  
شوند.

اگر تمام این وقایع در یک  
پلان فیلمبرداری شود مستعد آن  
خیلی زیاد و پنهان است مقدار  
صرف فیلم خام و اجناس کارهای  
بدنی مثل ظهور و چاپ و غیره  
زیاد خواهد شد که شامل مخارج  
بیشتری است و چون در هر کلاس  
درسی معمولاً بیش از ۲۰ تا ۳۰  
دانش آموز درس میخوانند و اگر  
نشان داده شود که یک کلاس از کلاس  
خارج میشود طول زمانی پلان ما  
فوق العاده خسته کننده نیز خواهد  
شد.

حال برای رعایت سرفه جوئی  
و جلوگیری از طول شدن این  
پلان چه بایستی کرد؟ بهترین راه  
این است که پلان - بدو پلان  
جداگانه تقسیم شود -

در پلان یک نشان داده میشود  
که شاگردان با شنیدن صدای زنگ  
مدرسه از جا بلند شده کتابهایشان  
را جمع نموده، عازم خروج از  
کلاس هستند و طرف در میروند -  
در پلان ۲ (که بایستی مکان دوربین  
را تغییر داد) نشان داده شود که از  
شاگردان نشان چند نفر از آخرین  
در خارج شده و آنرا پشت سرشان  
میبندند و پلان قطع شود.

البته در پلان ۲، بخاطر این  
بایستی مکان دوربین را تغییر داد  
که برای نشانجی این پلان پنهانی  
پلان جدیدی جلو نماید، چون اگر  
از همان مکان اول فیلمبرداری  
شود این حالت برای نشانجی پیش  
میآید که تمام صحنه یکجا ثبت شده  
و این برش مجزای آنرا نشانگران  
در کلاس در اثر بریده شدن فیلم  
بموقع نمایش اتفاق افتاده است در  
حالی که با تغییر مکان دوربین فیلم  
بردارای انزاویه دیگر، این موضوع  
یکلی متغی میشود.

اگر این واقعه را در هر دو  
فرم فیلمبرداری شده باهم مقایسه  
کنیم هر دو همان حالت خروج  
دانش آموزان از کلاس را نشان  
میدهند در حالی که در فرم دوپلانی  
فاصله بین میزها و درخروجی  
و مدت زمانی را که ۳۰ نفر دانش  
آموز برای خروج از این کلاس  
بایستی صرف میکنند - صرفه  
جوئی شده است.

هیچ فیلمی، تصویری کمرویی  
برده نمایش دیده میشود فیلمبرداری  
نمیشود بلکه يك فیلم تشکیل شده  
از قطعات زیادی (پلانها) که در  
موقع مونتاژ بهم چسبیده و مربوط  
میشوند - این پلانها هر يك بطور  
جداگانه و مجزا و در محلهای  
مختلف فیلمبرداری میشود که برای  
نظم و ترتیب آنها و همچنین برای  
اینکه در موقع مونتاژ هر پلانی در  
جای مخصوص خود چسبانده شود  
آنها را نمره گذاری میفایند  
- که ساریست از همان وهله اول  
نویسندگی از پلان شماره ۱ شروع  
میکند - (در خاتمه به سخن  
برای اینکه چشم و ذهن خواننده به  
سناریو آشنا شده و اصولاً بدانند که  
سناریو در چه فرمی نوشته میشود  
ترجمه يك قطعه از سناریو فیلم  
«شورش برادلی» با شرح جزئیترین  
را در ذیل می آوریم:

نمره گذاری پلانها علاوه بر  
اینکه در مونتاژ فیلم موثر است  
در موقع فیلمبرداری نیز شایان  
توجه و حائز اهمیت است - زیرا  
هیچ وقت مطابق سناریو، پلانها از  
روی نمره و بنا ترتیب فیلمبرداری  
نمیشوند بلکه با بیفتشبات وضع  
فیلمبرداری و پلانها، بطور درهم  
فیلمبرداری میشود - چون ممکن  
است در صحنهای پلان اول و آخر  
از يك زاویه (مکان دوربین) پانصد  
که این دو پلان پشت سرهم در يك

احساس بخصوصی را هم پنداشجی  
داد - او در اینجا انتظار دیدن  
صحنهای خوشایند و خوبی را دارد  
مثل صرف نهار - استراحت  
کارگران و غیره - درحالی که اگر  
بجای گذاشتن پلان ساعت و دست  
خاموش کننده کلید سرفی - از  
پلان دیگری استفاده شود - میتوان  
همی پلان جرح بزرگ و احساس  
نمانجی را بکلی عوض کرد -

مثلا اگر قبل از نمایش دادن  
جرح بزرگ در يك پلان کاری  
نشان داده شود که کش لای چند  
جرح گیر کرده و جرحها آسرا  
طرف خود میکنند و بعد پلان جرح  
بزرگ نشان داده شود این پلان بجای  
مفهوم استراحت و صرف نهار این  
معمی را میدهد که کارگری لای  
جرحها گیر کرده و باعث نگهداشتن  
جرح بزرگ شده است و در نمانجی  
هر بجای احساس خوش سرف غذا  
و استراحت کارگران ، احساس  
ترس و اضطراب و ناراحتی بوجود  
میآید -

بنابراین هر پلان مکمل پلان  
بعنی خود میباشد و وقتی میشود  
از حسنگی پلانها صحت کرد که

هر پلان دارای معنی و مفهوم  
بخصوصی نیست . مگر اینکه پلان  
بعنی یا قبلی آنرا تکمیل نماید .  
در مثال زیر این موضوع بخوبی  
تشریح شده است .  
در پلان جرح بزرگ کارخانه ای  
نشان داده میشود که در خارج جرحین  
است و کم سرف است آن کم شده  
و میباشد - در این پلان معلوم  
نیست که این جرح چرا ایستاده و  
منظور از نگهداشتن آن چیست ؟  
حال اگر قبل از آن پلان دیگری  
يك ساعت بزرگ دیواری نشان داده  
شود که عتبههای آن از ۱۱ و ۰۹  
دقیقه روی عدد ۱۲ جهش میکند  
(باتوجه باین که خود این پلان  
پنهانی مفهوم حاسمی جز نشان دادن  
وقت ندارد) و بعد در پلان دیگری  
سنی نشان داده شود که کلیه فرقی  
را فشار میدهد - باز ایستادن جرح  
بزرگ دارای مفهوم و معنی میشود  
و نمانجی میفهماند که وقت ظهر  
شده و کارخانه ای برای سرف نهار  
از کار میباشد -

از همه بهتر در اینجا میشود  
● صفحه ۲۸

موقع فیلمبرداری شده و بعد پلان های رابط را فیلمبرداری مینمایند.

#### مکان دوربین

مانطوریکه در پلان حرکت - صدا - شروع و قطع فیلمبرداری نوشته میشود و آنها را نیز نمره گذاری میکند (مکان دوربین) هم پایستی قید خود (زاویه دید و برداشت دوربین) کساربت آنها نیز بعداز نمره پلان مینویسد.

تصویر شماره ۱۶:

برداشت عمومی «توتال»



(البته در موقع تهیه فیلم های سینمایی، سناریو بر نسخه های متعدد تهیه شده و بزرگ از اشخاص موثر در فیلم مثل کارگردان و فیلمبردار یک نسخه داده میشود) نیز آنها بنویسند خود از نقطه نظر دید خود، یادداشتهایی به سناریو اضافه میکند مثلا فیلمبردار اغلب جلوی نمره پلانها زاویه دوربین و کانون عینی و غیره را که از نظر کار خودش آنها را بهتر میدانم، یادداشت مینماید.) اما با وجود این ساربت مخصوصا فیلم ساز آماتور که معمولا خودش کارگردان و فیلمبردار خودش میباشد، موظف است در موقع نوشتن سناریو کادر پلان یا مکان دوربین را معین نماید.

تصویر شماره ۱۷:

برداشت نزدیک

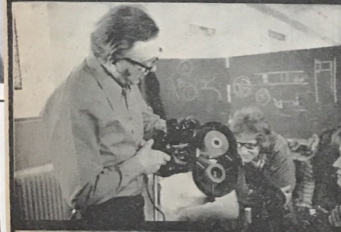


برای اینکه فیلمساز آماتور به آسانی به اصطلاحات سناریو آشنایی پیدا کند و آنها را بخاطر بسیار سی میشود حتی المقدور از اصطلاحات فارسی استفاده شود -

برای تشریح بهترین موضوع (معین مکان دوربین) لازم است صحنه ای را انتخاب نمود تا شود مکان های دوربین را در حالات مختلف در این صحنه مجسم کرد - (یک سالن بزرگ سخنرانی است، عده زیادی در آن نشسته و سخنان گوش میدهند) مکان های مختلف دوربین در این سالن بصورت زیر میباشد.

تصویر شماره ۱۸:

برداشت خیلی نزدیک



برداشت عمومی (توتال): در این برداشت تمام سالن با جمعیتی که در آن نشسته اند و سخنران در کادر دیده میشوند. (بنابراین در برداشت کلی تمام صحنه مورد فیلم برداری در کادر دیده میشود).

تصویر شماره ۱۹:

برداشت بزرگ

برداشت تیم توتال: تقریبا نیمی از سالن سخنرانی دیده میشود. برداشت تیم نزدیک: در این برداشت قسمتی از سالن نشان داده میشود (مثل گوشه ای از سالن که

بقیه در صفحه ۴۱





## خبرهای رادیو:

### ترس از محاکمه!

● «محاکمه رادیویی» که بنا بر گزارشی، برای خود در برنامه «شما و رادیو» باز کرده و در این برنامه، نامه‌های انتقادی مردم مطرح گشته و در واقع مسئولین امر سورتنی حالت محاکمه می‌شوند. سر و صدای زیادی پیا کرده و بسیاری از کسانی که در تهیه برنامه های رادیو، کار می‌کنند، به مدت و با افتخار تا قبل از آنکه نوبت محاکمه هفتگی برنامه‌های رادیویی به آنها رسد، متحل شدن آنها سبب کردند ولی با استقبال از «محاکمه رادیویی» عید بنظر میرسد که بتوانند کاری از پیش ببرند و حال باید دید که این انتقادات که مطرح می‌شود تا چه زمان ادامه خواهد یافت!

### فعالیت گروهی!

● اخیراً دست‌اندرکاران رادیو، بصورت گروه گروه درآمده‌اند و هر گروه در زمینه تهیه برنامه هائی بخصوص به فعالیت گشایته شده‌اند و البته بسیاری نیز که با فعالیت اینچنین موافق نبوده‌اند، صطای کار در رادیو را به تقایش بخشیده و از آن کاره گرفتند بهر حال هم‌اکنون بدینگونه فعالیت گروهی در رادیو جریان دارد.

● صفحه ۴۰

### سفر در رادیو



### ● فعالیت رادیویی فرزندان

فرزاد که در حال حاضر مختص به اجرای برنامه «جمعه بازار» می‌باشد، گسترش خواهد یافت و فرزاد به کار در زمینه تهیه یکی دو برنامه دیگر نیز خواهد پرداخت. اما از نکات جالب برنامه «جمعه بازار» اینکه پیغام اجرای برنامه

مزبور و ضبط آن برای بخش از رادیو، تماشاچیان حاضر در رادیو ناظر يك تو خواهد بود، چه که فرزاد تقریباً با همان سبک نوبی تلویزیونی خوش، در رادیو نیز عمل می‌کند نوبی رادیویی شنیدنی و صفا دیدنی را بوجود می‌آورد که البته آنچه که از رادیو عرضه می‌شود، فقط در همان زمینه شنیدنی است و بس!

### زوج جدید رادیویی!



### ● ظهوری و شهلا

هنری جدیدی بدهند و البته ناگفته نماند، از آن جهت این فعالیت مجدد امکان پذیر است که ظهوری و شهلا با وجودیکه پیشنهادات متعددی را در مورد کار بی‌گیر رادیویی معوق گذاشته‌اند، بخاطر احترام و علاقه خاصی که به صادق بهرامی دارند، همکاری با او را پذیرا گردند و صداهای خود را که این اواخر درخششی در رادیو نداشت، مورد استفاده قرار دهند!

● تلی ظهوری که بدنبال يك خداحافظی رسمی، از فعالیت های هنری خویش دست کشید و شهلا که وی نیز چند است بطور محسوسی از عالم هنر دوری جسته و بقولی بطور غیر رسمی نوبی استعناهی موقتی اقدام نموده، در يك برنامه رادیویی که صادق بهرامی قصد تهیه و کارگردانی آنرا دارد احتمال می‌رود شرکت جویند و در حقیقت با یکدیگر تشکیل زوج

# يك گپ کوتاه با: عزت اله انتظامی



بوسیله شما گذارنده شده بود؟  
- قرار که چه عرض کنم، ولی خوب صحبتی در بین بود و متأسفانه باخوشبختانه من نتوانستم با تهیه کننده‌ای که باصلاح قرار بود برای وی فیلم سازم کنار بیایم و این را بیشتر بحساب وسواس فوق‌العاده اینجاب در مورد آینده داستانی ردوبدل شده بگذارید.  
- ویک سؤال دیگر: نقاسر کلی شما در مورد وضع تآسیر و سینمای روز چیست؟  
- من معتقدم با جوایز و تشویق که این اواخر از سینما بعمل می‌آید جنبش نسبی سینماگران مشاهده شده است و ابتکاش فکری هم در این زمینه بحال تآسیر و زحمت کسان آن می‌گردند و یا بهتر بگویم دل خوش بیشتری برای برویجه‌های تآسیر بوجود می‌آورند که تحرك خوش را هرچه بیشتر افزون کنند. ابتکاش ...

روحوضی خوش رایسکنو باجرا درآورد وایتنه مشروط برآنکه یکی دو قرارداد بازی در فیلم که منعقد ساخته فرست فعالیت تآسیری مذکور را به او بدهد!

## يك فیلم از گروه ارحام!

● گروه ارحام صدر که فعالیت تآسیری آنها در اسفهان مشتمل بر است، باجمالی قوی حدوداً مهرماه سال جاری رهسپار تهران خواهند شد تا برنامه‌ای در یکی از تالارهای نمایشی اجرا نمایند و از هم اکنون یکی دون از تهیه کنندگان سینمای ایران خود را برای استقبال از ارحام صدر و گروه او وجله رضایت آنها در مورد فیلمبرداری از نمایشنامه‌های که بروی سن می‌آورند و سپس ترازه آن بصورت يك فیلم آماده می‌کنند!

## «ستاجر یا همسایه مزاحم» همراه!

● بالاخره نوشته‌ای از رضا همراه که «ستاجر یا همسایه مزاحم» نام آن میباشد بصورت نمایشنامه تنظیم گردید و داریوش اسفژاده دست اندرکار بروی سن آوردن آن است و تصمیم دارد که بلافاصله پس از ابتکار، «ستاجر» یا همسایه مزاحم» را برای بخش از تلویزیون در اختیار تلویزیون قرار دهد.

## بازهم «آوار بر سنگ»!

● قرار است که «نمایشنامه پر سروصدای «آوار بر سنگ» که بوسیله ایرج امامی نوشته شده و جعفر والی کارگردان آن محسوب می‌شود ودر ضمن جنشید مشایخی ولی شیراندازی، آرتنا لاجپس، مومن فرخ‌نیا و جعفر والی بازی-گران عدده نمایشنامه مزبور میباشد و تا بحال یکبار این نمایشنامه بروی سن آمده، دوباره در معرض نقادان قرار گیرد و روی سن بیاید.



## خبرهای تئاتر

### اردوان مفید

و

### نمایشنامه‌های روحوضی!



● اردوان مفید در تدارک تهیه يك سری نمایشنامه بسبك نمایشنامه‌های روحوضی قدیم است و تصمیم می‌بشد که بلافاصله پس از انمام بازی در فیلم «حسن سیاه» که هم‌اکنون مشغول بازی در آن است و در این فیلم وی ابتفاکر رل مهدی سیاه بوده که از باصلاح سیاه‌بازهای قدیمی محسوب می‌شود، یکی پس از دیگری نمایشنامه‌های

# موزیک

از: شاپور منصف

## ترانه بدون آهنگ را شنید



● رایشن در هفته گذشته پیشنهاد دیگری از پارسیلم رادر مورد بازی در فیلمی از محصولات این استودیو رد نمود و بدینست بداینه که تعداد پیشنهاداتی که تاکنون در مورد بازیگری در فیلمها به رایشن شده و با عدم موافقت او مواجه گشته است، پینکدوجین نزدیک بجای همپتان رایشن به خواستن بجای همپیشگان مختلف در فیلمها اکتفاء کرده واز هریشگی سرباز میزند!

● بحال از کارهای اخیر رایشن در زمینه خوانندگی، اجرای ترانههایی که «بگین بگین جیکار کیم» عنوان آن بوده و شعر آن را کریم حصوتی سروده و قرار است این ترانه که بدون همراهی و استفاده از موزیک، با صدای رایشن اجرا گردیده، در آهنگ رایشن توجه کنید:

به این به اون به نو بگم  
تازه گپها تو این روزا  
بیرو جون از عشق من دم میزنه  
نه کمتر و نه بیشتره  
خوشگلی هم درد سره  
هرجا میرم همه میگن  
اونا نیگا رایشن اومد  
عینو مته به غروس  
لشته تو ماشین اومد  
اما مایان جولم منو  
به خواستگارم هیچگونم  
به کس کونم نمیده  
به مرد بیرو نفال و عطار و حیاط

میخواهم به رازی رونیم  
جولم بگه واله شما  
سوگ من سر بجهنم میزنه  
نورزه بهاره عمر من  
از شما بنهون نیانه

فنیاده  
تاجر و اداری و کاتب بازارنمیاده  
به من بگین جیکار کیم  
باز دلارو شیکار کیم  
خودمو بگیرم اخم کیم  
یا که بخندم شوخ بشم  
بمن بگین جیکار کیم ..

با این همه هوا دارم

## خبرها ...

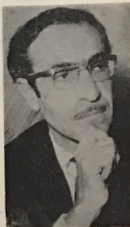
### کلیتون آقای تجویبی

● «علی تجویبی» که یکر دو سالی است نسبتا فعالیت هنری خویش را کانس و فظ هر چند زمان یکبار دست بکار ساختن

خوانندگانی که باوی همکاری داشته اند را در مورد همکاری مجدد جهت ضبط آهنگهای مورد نظر، جلب نماید، اقدامی که برای تهیه کلکتیون از آثار تجویبی در نظر گرفته شده است، برحده اجرا در خواهد آمد.

پرهیز رویا از دوچرخه - سواری!

● در یکی از روزهای هفته گذشته رویا که مشغول تمرین دوچرخه سواری در خیابان فرخی از خیابانهای حوالی منزلش بود، برای جلوگیری از تصادف با اتومبیلی که وی به آن توجه نداشت، دوچرخه را به طرف کنار جاده منحرف نمود و در اثر اصابت با یک درخت و واژگون شدن دوچرخه و رویا، آسیب مختصر به او وارد می آید و بد نیست بدانید که عهد جدید رویا با خوش این است که تا عسر دازه، از دوچرخه سواری پرهیز کند!



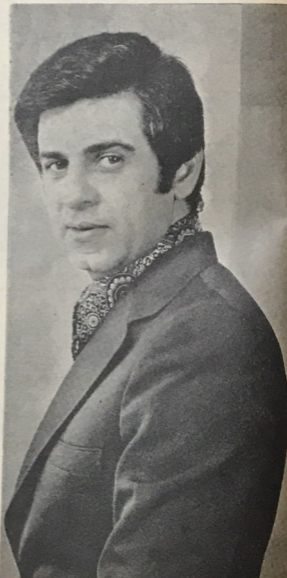
### توق «پریا»!

● ضبط ترانه «پریا» که شعر آن اثری از شاملو میباشد و روزی مقصدی تنظیم آهنگی سر روی این شعر را عهده دار شده و داریوش هم با اجرای آن پرداخته بود، بصوبق افتاد و حتی اینطور که بگوش میرسد عید نیست که هرگز این ترانه بصورت سمفونیه نشود!

آهنگی میگرد، مسمم است مجددا به کار بیگیری برده اند، و شما به «تجویبی» پیشنهاد گردیده که کلیه آهنگاتی را که تا با مرور ساخته و خوانندگان مختلف اجرای آن را برعهده گرفته اند، بصورت یک کلکتیون کوچک سفیدرنگ داده و در اختیار علاقمندان قرار دهد. در هر صورت در موزیک «تجویبی» بشواست رضایت



# گپی خودمانی با منوچهر سخائی



● چرا چند سالی فعالیتی چشمگیر در زمینه خوانندگی نداشتی و در حقیقت بین دوره اول کار خوانندگی خویش که حدوداً از سال ۱۳۳۸ آغاز شد و دوره دوم که شروع آن از دو سه سال پیش بود، تقریباً نوعی سکوت هنری را برگزیدی؟

— روی اصل اینکه مطالبی همانجایی در زمینه خوانندگی خواست مردم بعمل آورده و بناوجه به برداشتی که از اینکار می‌دانم می‌شود، یکبار دیگر پا به میدان رقابت در کار خوانندگی بگذارم و همین را نیز کردم و پس از یک سکوت که عینش ذکر شد، مجدداً خواندن را از سر گرفتم. منتهی اینبار با آمادگی بیشتری که در خود احساس می‌کنم.

● در مورد بازیگری در فیلمها تصمیمی نداری؟

— والله پیشنهاداتی در این مورد به من شده (و البته نه از آن نوع پیشنهاداتی که در شهر به مین‌الله پیشبیدی باقرزاده می‌گردد) ولی این پیشنهادات آن چیزی را که من می‌خواهم ندورم. ندارد و سربا بگویم و افتاد لغوا. پشایب نمی‌آید و بدین جهت است که منوچهر سخائی را که زمانس جزو هنریستگان این مرز و بوم نیز حساب می‌آید، دیگر روی برده نیما نمی‌بینید!

● چگونه با شاعرانی که در مورد تو و مسائلی که با آن سرو کار داری برسر زبانها می‌افسند مواجه می‌شوی؟

— مطلقاً است معروف که در دروازه را میتوان بست، ولی دهن مردم را بستن، کار حضرت قیل هم فکر نمی‌کنم باشد!

● از زندگی فعلی خویش رضایت نداری؟

— خواستام خود را به چیزی به خصوص قانع نیستم، ولی کلامی توانم از زندگی فعلی خودم و آرامشی که در خانوادهام حکمفرماست، احساس خوشنودی ندایم، و من در جوار آن سعی می‌کنم به سایر جنبه‌هایی که دنبال هستم دست یابم.

● نظر تو درباره موسیقی موجود در ایران چیست؟

— موسیقی ما در حال حاضر حکم نوعی موسیقی باسطلاح «بین‌المللی» را پیدا کرده و از بلاتر طرف موسیقی جاز برای خودوش جایی ندارد و موسیقی غربی بیسر مرفه‌اندازی در بین مردم کسب کرده و ضمناً چند کشور دیگر هم آهنگهایشان و حتی گاه‌آهنگارشان مورد تقلید کورکورانه قرار می‌گیرد، و سرانجام موسیقی ایرانی هم کورسویی می‌زند و من ناسف می‌خورم که چه علت‌هاست که ادعاهای زیادی در اینگونه موارد دارند، دست بکار نمی‌شوند و پا یک اتحاد همه جانبه که من از هاکون آمادگی خود را نیز در این زمینه اعلام می‌دارم، رونق هرچه بیشتر این موسیقی ایرانی را سبب نمی‌شوند! بی‌رحمان یا نفوذ روزافزون موسیقی ملل دیگر در موسیقی ایرانی، باید گفت که خدا آخر وعاقبت موسیقی ایرانی را بخیر کند و راه چاره موجود، هرچه زودتر موردتوجه قرار گیرد.

● و بالاخره اینکه توضیحی در مورد برنامه‌های فعلی خود در عالم هنر میدی؟

— البته، از من خواننده شده که دست‌اندر کار فعالیت تلویزیونی می‌گیری شوم که آرا موقوف به اواخر سال جاری نبوده و فعلاً به گهگاه شرکت کردن در واریته‌ها و برنامه‌های تلویزیونی اکتفاء کرده‌ام، در ضمن فراراست که در فیلم چندین سیمونل‌هاچیکیان نیز ترانه‌ای با صدای من گنجانده شده و گذشته از همه اینها، من همچنان کار خوانندگی در کاباره را دنبال می‌کنم، و اما تا بسایم رفته بگویم که دو ترانه جدید را که نام یکی «آروم آروم» می‌باشد و دیگری «خودت گل‌بیرهن گل» نامدارند و هر دو از کارهای جهانبخش پازوکی ترانه سرا و آهنگساز بقلولی «جمال‌برانگیز» است، تمرین کرده‌ام و همین روزها عرضه خواهد شد.

برنامه امشب گروه ممتاز  
سینمایی پایتخت

آسیا - رکس - شهوند - لیدو - رنگین کمان - ژاله  
- پاسارگاد - توسکا - المپیا - چرخ و فلک - شرق - فیروزه  
- در ایوین سینما ونک - و... دیانا. حافظ

**ناصر ملک مطیعی . فروزان . بهمن مفید**

برندگان جایزه سپاس سال : ۱۳۵۰ در نیم



**خاطر  
خواه**

معمول: فیلمکوفیلتر



اقتباس از داستان: اروغنی کرمانی

با شرکت: ثریا بهشتی سازگردان: امیر شروان. فیلمبرداری: مازیار برتو. موزیک متن: انوشیروان روحانی

## برنامه امشب سینماهای

# متروپل - رویال - سانترال - گلدن سیتی

بازگشایی که در آخرین  
برده نقضهای مختلف راهبده دارند  
عبارتند از :

اپلوش، پروین نظاری، مریم  
الوندی، اسدالله یکتا، ماشینیان  
ولی زانده آندره، اکبر هاشمی ،  
ملکی احمدزاده، شهرام، سغاریان  
مهردادیان، خوشبخت، ملیحه  
سهری، زاهدی، کونگ خرمسال  
رهر و حیدر کاظمی .  
موسه چهارنাম از این هفته  
تهیه دومین محصول خود را موسم  
به «یک میلیونر و دو موش» با  
شرکت سهرتیا، گزتا، متوسلا،  
شراره، حسن رشیدی، اسدالله یکتا  
و ژاله سام در شمال بکارگردانی  
سند صباحی آغاز کرده است.

## آخرین نبود

مانی «چشمه عشاق» ۱۳۳۸، با شرکت  
ویگن همیه و رضا کریمی، فردای  
باشکوه، ۱۳۴۵ با شرکت پروین  
نظاری، بوتیمار، آخر حکمت شاعر،  
صدق ، فدکچیان و نایب، آرشین  
مالالان ۱۳۴۲ با شرکت ویگن و  
همینه، سرکش ۱۳۴۳ با شرکت  
بیک ایمانوردی ، فاضلی، سهیلا ،  
گنجورنگ ۱۳۴۶ با شرکت گوگوش  
شهبان و چند فیلم دیگر را نامرد.  
این فیلم را که محصول است  
از «چهارنাম» حیدر کاظمی و سند  
صباحی تهیه کرده اند و امور فیلم  
بررداری آنرا کمال مطیعی و رضا  
احمدزور انجام داده اند.

## جهان سینما

می شود . حوادث آن در سال ۱۹۰۰  
میلادی در اطراف چاهای نفت  
بوقوع می پیوندد .  
فرار

● سیدنی پوایتیه بازیگر  
سایه پوست آمریکائی تهیه کننده و  
کارگردان فیلمی است با نام «فرار»  
که آنرا در انگلستان میسازد .  
نقش مقابل پوایتیهرا «استر آندرسن»  
برعهده دارد .

## داستان پر حادثه

● «فایو کاپری» سناریست  
ایتالیائی اولین فیلمش را در مقام  
کارگردان میسازد که داستانی  
پر حادثه و جنائی دارد و به سیک  
فیلم معروف کوزو شیطان صفات  
ساخته شده . نقشهای فیلم را

«فرانسوا سیمون (فرزند میشل  
سیمون) و جیوانی روزلی برعهده  
دارند»  
دو نفر

● رابرت رابرت پس از مدتی  
سکوت فیلم «دو نفر» را در مراکش  
جلوی دور بین میبرد . نقش اصلی  
فیلم را «پیترا فانتا» برعهده خواهد  
داشت .

## کار آگاه

● جوزف مانکیه و تیس بر-  
اساس ناپیشامه «کار آگاه» فیلمی  
با شرکت «لارنس الیور» در لندن  
میسازد که لارنس الیور به نقش  
کار آگاه در این فیلم ظاهر میگردد.  
الیور اخیرا بازی در فیلم «لب»  
را پایان رسانیده که ساخته «رابرت  
بولت» می باشد .  
وی تهیه کننده فیلم نیز هست .

## مروری بر فیلمهای

می سازد .

وضع خود دکتر استریج لار  
را می توان از دید کوریک ، نشانه  
تسلیم نهائی انسان به ماشین دانست.  
او پیش از آنکه يك انسان باشد ،  
يك ماشین الکترونیکی بر احساس  
است . بازی میکائیکو او ، به  
طور خودکار به هینتر (رئیس) و به  
ارباب سایش) سلام نظامی میدهد.  
دست میکائیکو او در نقطه ای می-  
گوشد که خود را خفه کند و آن  
گوشت و خون را هم که هنوز در وی  
باقی مانده است ، می مصرف سازد .

زشت ، زیبا  
و  
دلگداز

چیچو  
و  
فرانکو  
در فیلم رنگی



سیمو پالمارا بریژیت پترسی

# پاسخ سردبیر



## حرم آباد - آقای حمیدرضا فرحانی :

شماره ۳۸۴ درآرشیو موجود است. می‌توانید با ارسال پست‌ترده روزان نیز مطلع شده. به آدرس صندوق پستی ۱۹۴۷ - تهران ، و دفتر آدرس دفترستان ، این شماره را دریافت دارید .

## تهران - آقایان وارطان آوانسیان ، علی‌انغر اسفندی ، شاهین جانی - حرم روح :

۱ - امیدوارم بتوانیم در سالهای آتی «دوره‌های آینده جنسواره» نیز به لطف مسئولان تلویزیون ، مراسم را مسقیم پخش کنیم .

۲ - شما فیلسی را که بدان معترض هستید ، در آن ایران ندارید ، اگر نمانش دارید ، یکباردیگر بسا دقت نگاه کنید ، آنوقت به سبق قضایات‌ها بیشتر پی‌خواهید برد .

۳ - عزیزانه هادی با رویز بهادر فرق میکند ، اولی کارگردان و ساریت فیلم ، دومی اولین حائی‌باز راویو ، گردیده برنامه خانه و خانوانه و مولود است .

## مشهد - آقای حمید معین درباری :

۱ - از میزان دقیق مستند «تشی‌مختار» در فیلم «قدس» اطلاعی

نداریم .

۲ - بهترین فیلم ناصر ملک‌مطیعی «ساقی» و بهترین فیلم رضا بیگ ایمانوردی «روسی» است (از جهت کار بازیگری همین دو هزینه می‌گوئیم) .

۳ - ما از زمان حرکت‌ناکبپ هرمنستان فیلم «سوسه برلبهای خونین» اطلاع دقیقی نداریم .

## پجوده - آقای شلامرضا روزوی فرد :

۱ - شماره مخصوص فیلم «فیصر» در آرشیو موجود نیست .

۲ - بهروز وتوقی از سال ۱۳۵۰ با بازی در فیلم «صدکلیو بادام» (عباس شایریز) کار بازی درفیلم‌ها را آغاز کرد .

## آقای امیرحاج رضانی :

شما عانت کرده‌اید بنویسید و ما هم شما را عادت دادیم که جوابی دریافت نکنید (بماند)

ما هم مثل شما از درگشت «فرانکو ایندوینونا» در یک سالحه هوایی (در سطح مطالعه روزنامه) اطلاع نداشتیم و شما هم درست می‌فرمائید ، این‌خردا درج نکرده‌ایم ، با همه این اوصاف ، باوجود تقصیری که از این بابت رفتاست ، دلیلی بر این نیستود که تنها نشریه‌های غرب کشور ، گاه بزرگ و غیر قابل بخششی حرکت شده باشد و

بابت مرگ «فرانکو ایندوینونا» از حمایت سینمای ایران مستنر داریم! این متأسفانه خاستت روحیه

اکثرت ایرانی است که ما جزء کوچکی به کل می‌پندارند و دوستی که نویسندگان مجله را به خاطر برداختن به مرگ «فرانکو ایندوینونا» ملامت میکند ، یکبار هم (صرفاً) از این که خیلی نامه می‌نویسد ، خودتان اینطور گفته‌اید) فرضا از سینمای ۷۲ محبتی بیجان نمی‌آورند خوب ، بناسبت فرمایش شما (بیانید فکری بحال بنیه یکدیگر تا بقیه هم بجان شما دعا کنند ...) مدتی است این بخش را علیرغم اکثریت خواننده‌هایمان ادامه دادیم و اینقدر بی‌توجهی ندیدیم که ما چار از تعطیلتش شدم ...

ادب و احترام فراوانتان را ارج می‌گذاریم ولی انتظار بسذل نوحه را نیز نداریم . بهرحال متشکریم که در همین سطح هم توجه دارید .

## مشهد - آقای محمد رضا مستاری :

۱ - شماره‌های مورد نظر شما در آرشیو موجود است ، ۲۰ روال نیز باطل شده ، باضافه آدرس دقیق و شماره‌های مورد تقاضایتان را به آدرس صندوق پستی ۱۹۴۷ - تهران ، ارسال دارید تا مجلات جهت شما ارسال شود .

۲ - متأسف کتید ، در مورد سؤال دومتان ، با مسئولین باوزیون مل ، در مشهد تماس بگیرید ، قطعاً جواب دقیقتر از ما برای شما خواهد داشت .

۳ - میزان قیمت‌ها تفاوت می‌کند ، این را هم در شهر خودتان می‌توانید کسب اطلاع کنید .

## میان‌آب - آقایان پرویز اقلیمیان - شهیار ایمانی :

۱ - بهترین کار «بازگری» فردین ، فیلم «باباشل» و بهترین فیلمش «سلطان قلعه» است .

۲ - بهروز وتوقی نوشته بودماست .

۳ - برای هرمتنان مورد نظر خود بهتانی : خانه هرمتنان فیلم ایرانی ، خیابان سزاوار (بین خیابان فرودین و اردیبهشت) نامه بنویسید .

## یزد - آقای انغر یونان :

۱ - هرمتنانی که بیش از شش کلاس ابتدایی سواد نداشتند ، هستند ، ولی اسنان را می‌خواهید

چه کنید ؟

- برای هرمتندان مورد نظرتان به نشانی خانه هرمتندان فیلم ایرانی نامه بنویسید .

## آقای عباس نافع رحمانی :

۱ - وایسکرین و سینما اسکوپ ، طریقه‌های فیلم‌برداری است .

۲ - هنگام نمایش فیلم «پلوج» شماره ویژه چاپ خواهیم کرد .

۳ - از استیو مک کوئین در حال حاضر فیلمی در تهران آماده نمایش نیست .

## آقای مرتضی قریشی :

۱ - سن ، قد ، نشانی آقای محدث‌رضا رفیعی را نمی‌دانیم .

۲ - اندازه قد بهروز وتوقی و سعیدراد به چه کار شما می‌آید؟

۳ - عکس کودکی هریشنگان را شاید چاپ زدیم .

## مشهد آقای حسن قافارایان :

۱ - میزان فروش فیلم - هائی که نامبرند ، همگی در یک طرح هستند ، بین همصداقت‌صند هزار تومان .

۲ - میسران مستنرد زری خوشگام و سعیدراد را نمی‌دانیم .

## شیراز - آقای اصین دادگر :

باتشکر از قدردانی سرکار ، امیدواریم همچنان بتوانیم در راه تثبیت وضع سینما ایران ، درجدهی خوب و با ارزش کوشا باشیم .

انشاءالله .

## همدان - آقای صادق قتیان :

شماره‌های مخصوص «فیلم و هنر» درباره دوره دوم و سوم بهاس در آرشیو موجود است .

شماره مخصوص‌های نوروز را در اختیار نداریم .

## آذر شهر - آقای جواد اسدیور :

۱ - فیلم قلندر نمایش داده شدماست و فیلم «پلوج» و ادرمزون نمایش خواهند داد .

۲ - اولین فیلم «فریبا خانم» (دوست دارم) و اولین فیلم «آتر شیوا» (آهنگ دهکده) است .



**تیریز - آقای حیدرستی :**

مورد نظر شما را نمیدانیم .  
۳ - «میری» در فیلمها خودش صحبت می کند .

**آقای امیرحوشک صادقی :**

۱ - تهیه کننده و کارگردان فیلم «درفران سیول» ب. دومیل است ، از تعداد سیاهی لشکر این فیلم اطلاعی نداریم و میزان هزینه این فیلم را هم نمیدانیم . این فیلم نزدیک بیست سال سر دارد . این سؤال در این زمان هم کسی ازمن ما دور است وهم اینکه اگر اطلاعاتی از طریق منابعی از این فیلمها در دست بوده ، بدلیل عدم اهمیتش ، حفظ شده ، ایست که پاسخ دقیقی در این جهت نمی توانیم ب شما بدهیم .  
۲ - «ایرن» در «حکیمباشی» نقش اصلی را بعهده دارد ، و این فیلم با احتمال قوی در «آ آ» آینده نمایش داده خواهد شد .

**آقای امیرحوشک :**

۱ - «امینفشار سیر درازه» معمولاً این خصلت را دارد که فیلمهایی را که قرار است برایش موزیک متن بسازد ، بیست واگر از فیلم خودش بنماید ، موزیک نمیگذارد . فیلمی که مورد بحث شماست ، بهمین علت «مفرده» پذیرفت که «موزیک متن» برایش نگذارد .  
۲ - اگر «موزیک» می - شناسید ، لابد مواردی که در اطراف آنها گزارش مطرح کرده اید ، بهر حال ریشه حقیقی دارد و گر نه ... پاسخگو بخود اجازه نمیدهد در مورد سحت و یا ستم آن نظر بدهد .

۳ - اعلام جواز سیاست و دیدی که در خلاف تصور همگان بخاطر فیلم «حکیمباشی» جواز به کسی و این داده شد و یا قبول نشا «یادبوسنی» را هم به «کرمی» ندادیم تا آنطور که شما نوشته اید ارزش او بالاتر برود و خودجایزه نیز زمینه ارزش کارهای او را بالاتر برد تا فی الواقع کتکی باشد برای بالاتر رفتن فیلم «حکیمباشی» ... و هرکاری کرد ، بهر حال ثوری بود ... خب الحمدالله در این مورد هم رونقید هستیم .

**لاهیجان - آقای محمدحسین غلامی پور :**

۱ - عکس رنگی و مساحه

آقای «رسنی» نوشته ای بدهند فیلم هست که تا حال در تیریز نمایش نداده اند مثل «ساتنیکون» ، «فیسنی» و «اشانه کیل هاک» بکنیم یا ... علاوه این دیگر چه سیه ایت که سینماهای تهران مد کرده اند که این فیلم در ایران فقط یکبار و آنهم در این سینما نمایش داده میشود ، این چه معنی دارد ، مگر ما شهرتانیها ، آدم نیستیم؟  
**مشوین پاسخ بدهند !**

**آقای خانم بی بی ام :**

۱ - فیلمهای بلوچ ، نشنو غربه با احتمال قوی در زون اسماق نمایش داده خواهند شد .  
۲ - فروش دو فیلم مورد نظر شما به پانصد هزار تومان هم رسید .

**آقای زاوش ستوده :**

ما شماره دقیق مجلاتی که شما میخواهید ، نمیدانیم که برایتان ارسال کنیم . در مورد مجلات دیگر ، نیز با دفتر مجلات مورد نظرتان شخصا تماس بگیرید .

**سنان - آقای فرابعلی ایمانی سنائی :**

۱ - شماره های ۳۵۸ و ۱۵۱ در آرشیر جمله موجود است . معاملات قیمت مجلات تیر باطل شده ارسال دارید ، آنرا به پیشان را هم فراموش نفرمائید ، تا مجلات جهت شما فرستاده شود .  
۲ - به فیلم «زنی در قفس» از «واترگرومن» را در ایران نمایش نداده اند - گروه مرحوم مولوی روزها نمایش دهند این فیلم بود .  
۳ - کارگردان فیلم «سلطین در آفتاب» ، «جی . لی . تامسون» بود .

**چهرم - آقای عوضی روفیقان :**

۱ - در حال حاضر مستمره ناصر ملک مطیعی بین یک میلیون و پانصد هزار ریال تا دو میلیون ریال است ، وی از فیلم «تیریز» بعد از سفارشش با تسویه ترقی کرده است .

۲ - میزان فروش فیلمهای

● با علاقمندان و سازندگان فیلمهای تخریبی کوتاه ، حاسر به هرگونه همکاری در هر رشته هست و همچنین هر شماره سال دو و سه مجله را حاشر برپایگان در اختیار دوستداران فیلم و هنر قرار بدهم .  
نارنگ - خیابان سرسبزتری شماره ۱۵۴ - جلال طوفان

● با علاقمندان ، تهرانی ، شیرازی ، مشهدی و شامی که دوستدار «گوش» ، «گوش» ، «پوری بانی و داریوش» باشند حاسر به همکاری هستیم ؛  
کرمات - خیابان فردوسی کوچه وحشی ناصی پلاک ۱۸۰ - منصور فرزاد

● با دختران و پسران علاقه بکارگردانهای تئاتر ، تلویزیون و سینما مانند عباس جوانمرد ، حمید مسدیان ، نصرت کرمی ، حسن شیروانی ، اسماعیل شنگله ، عباس نقیبیان ، رکن الدین خسروی ، جعفریانی ، داودرشدی ، مسطقی اسکوسی ، محمدعلی جعفری و آری ، آواسیان مایسل مکانته میباشیم .

از هنرمندانی که خواستارند ، فعلاً مقدور نیست .  
۲ - از «فرین» جندی بیش عکس رنگی داشتیم .

**آقای اصغر ک :**

پاش بخیر ، زمانی بود که بلان ، لوطیها ، برای اینکه با حق کسی دفاع کنند (الله حق داریم با حق) حتی سرخود را دم تیغ بگذارند و حالا شامی که مدعی حق و عدالت هست ، نرسیده اید حتی استان را کامل نبوسیده چه

کاتبان - کافه گلچیرگان رضا کرمی ● حاسر به مکانی با خواهران و برادران علاقمند به تئاتر و آواز و صدای عارف و مهش هستیم .  
کرماتشاه - صندوق پستی ۵۴۵۶۶ - ایمان یعقوبی ● مایلم با دوستداران - ناصر ملک مطیعی - هرروز و توفی - بهمن مهید - داود رشیدی - سعید راد - کرگوش و آرشویا و کارگردانهای چون ماریوش مهرجویی - کیبانی - مکانته کتم .

● مایلم با دوستداران - ناصر ملک مطیعی - هرروز و توفی - بهمن مهید - داود رشیدی - سعید راد - کرگوش و آرشویا و کارگردانهای چون ماریوش مهرجویی - کیبانی - مکانته کتم .

● مایلم با دوستداران - ناصر ملک مطیعی - هرروز و توفی - بهمن مهید - داود رشیدی - سعید راد - کرگوش و آرشویا و کارگردانهای چون ماریوش مهرجویی - کیبانی - مکانته کتم .

● مایلم با دوستداران - ناصر ملک مطیعی - هرروز و توفی - بهمن مهید - داود رشیدی - سعید راد - کرگوش و آرشویا و کارگردانهای چون ماریوش مهرجویی - کیبانی - مکانته کتم .

● مایلم با دوستداران - ناصر ملک مطیعی - هرروز و توفی - بهمن مهید - داود رشیدی - سعید راد - کرگوش و آرشویا و کارگردانهای چون ماریوش مهرجویی - کیبانی - مکانته کتم .

داریم بهنگ آدم رسو بگوئیم جز تانف ... آخر راتر مگر محبوت کرده ایم که «فیلموهر» بخسری که حالا چون میبسی یکی از ستاره درجه چهار مورد نظرت ، در محله نیست ، محله از باد ملالت گرفتاری ...

ما آنجیزهایی که شما می - خواهید ، در محله میاوریم و شما هم نرسید ... ترجیح میدهم شما را بصورت خواننده محله بشناسیم اما اشاعه .

برنامه امشب گروه سینماهای

کاپری - نیاگارا - اروپا - میامی - الوند - کیهان - مارلیک -  
اورانوس - ری - اسکار - فردوسی - سیلورسیتی (قلهک)  
و سیلوانا

تپی

همایون  
زری خوشکام  
مرتضی عقیلی

بهرام وطن پرست

فتحی زاده

گرچی

آرزو

و

ذکر یاهاشمی

سوزان من - اسفندیار منفردزاده - مدیر فیلمبرداری: ابوح صادقیسوز ساربت ۳۸۳۰۰۰۰ تهران - محمد رضا میرلوحی  
محصول آس فیلم

## صفر ایرانپاک

فوتبال بازی کند دستان میخواست  
کدام هریشه درتیمان باشد  
سفر ایرانپاک: بهروزتوفی-

فردی

● در کار سینما بیشتر باچه  
بیجانی موافقت جوان - پیرا...؟

سفر ایرانپاک: من بیشتر روی  
موضوع فیلم تکیه میکنم و بستگی  
دارد که نقش بازیکنان چه باشد  
باید چون برای هر نقشی یک  
شیب مخصوص لازم است.

● در سفرهای خارجی که  
داستانها آیا فیلمی را در آنجاها  
دیدهاید؟

سفر ایرانپاک: بله در بانکوک  
با نانی دوستام دیدیم فیلم «د»  
مرد خبیث» رشیم یک فیلم معمولی  
بود.

● شما مراسم جایزه سپاس  
را دیده‌اید نظرتان در بارش

جست ۱

سفر ایرانپاک: با این مراسم  
مواقف چون این جایزه باعث  
خواهد شد که تمام گردانندگان  
و سازندگان فیلم تلاش بیشتری کنند  
تا کارشان بیشتر مورد قبول جامعه  
قرار گیرد.

● منته فیلم و هنر را  
می‌نشد چطور منته‌ایست؟

سفر ایرانپاک: من نگاهم  
آرا مطالعه میکنم از مطالبش  
معمولا خوشم می‌آید سرگرم کننده  
و در عین حال جهت راهما و رهبر  
پوشن حفظ می‌نماید زحمات فراوان  
گردانندگان آرا می‌نمایم و بآنها  
درود می‌رسم.

● دستان میخواست روزی در  
مقابل هزینه فراوان در فیلمی  
بازی کنید؟

سفر ایرانپاک: فوتبال را  
بیشتر ترجیح میدهم و عاشق آن‌هستم  
ولی سینما را هم دوست دارم ولی  
تا پانزده فوتبالیست.

نظارت زیادی داریم. او یک فیلم-  
ساز هوشمند و پرتوش و تواناست.  
مهرجویی با اینکه سینما را تحسین  
نکرده است. بر بسیاری فیلمسازان  
درجه یک جهان برتری دارد همیشه  
حرفی برای گفتن و ناخفگی کردن  
نمانانگران دارد. «پستیچی» اثری  
سیاسی اجتماعی است و زندگی  
«جهان سوم» را بخوبی برسملا  
می‌کند. «امینوار» باشیم که یک  
«پارولینی» جدید، تازه نفس و  
فوق‌العاده پاهوش به پینه سینمای  
جهانی راه یافته است این فیلم از  
طرف چند کنیانی بلژیکی خریداری  
شده و بروی آرا در نمایش عمومی  
خواهیم دید.

## داربوش مهر جوئی

می‌بندد که بازیگران طراز اولی  
هستند و باید نامتان را بیاد داشته  
باشم.

\*\*\*

روزنامه «انجیوار» چاپ  
بازیک نوشته است: پس از «گاو»  
فیلم «پستیچی» را از مهرجویی  
می‌بینیم. دیگر نیازی نیست که  
مهرجویی را معرفی کنیم او دیگر  
یک نام آشای برای تماشاچینما دستان  
واقعی سینماست. از مهرجویی  
کارگردان ۳۳ ساله ایرانی که سال  
گذشته در وینر همه را ناخفگیسر  
کرد و جایزه منتقدین را ربود،

## بارگاه باشکوه هارون الرشید

و پشت سر او جلاد آماده فرمان خلیفه ...  
... و نوای حبیبی غلوی اگر بخواهی حقیقت را با نگوئی  
ندان و آگاه باش که فورا دستور می‌دهم هینجا سر از تن جدا  
کند.

این آخرین کلام «هارون الرشید» بود که بعد از سکوت حبیبی  
غلوی «امیر شروان» دستور کات داد. پلان بند، ورود بهزادبارسی  
و دوستش به بارگاه بود که به کمک حبیبی غلوی آمده بودند.  
محل دوربین تغییر داده میشود و هنریستان پلان قبل مشغول  
استراحت هستند در اینجا ایلوش و میری خودرا برای بازی درپلان  
عدی آماده میکنند پیام آمده که ساعت ۷ باید در تهران باشم  
از «امیر شروان» محمود کوشان» و هنریستان هارون الرشید  
خداحافظی نمودم واز دستگاه برزرق ویرق هارون الرشید خسار  
شده و چند قرقر را در یک آن پشت سر میگذارم.

## مرد اجاره‌ای

### کارگردانی

● خاطرات که ذکر شد  
کارگردانی فیلم مرد اجاره‌ای را  
«هنسرو پروزی» کارگردانی که  
از او فیلمهای زیادی منجمه می-  
سازند، آراش قبل از طوفان،  
زمین تلخ، کشتی نوح، و لنگر  
قهرمان، دور دنیا با جیب خالی،  
مجنزه قلها، پل و ... بسیاری  
فیلم دیگر دیده‌ایم انجام داده‌است  
که خود مرد اجاره‌ای را یکی از  
چترین کارهایش میدانند. از  
بروزی فیلم دیگری هم آماده‌است  
تحت عنوان «مردی در طوفان» که  
در آن سعید راه، مرجان،  
گریگوری مارک و رمسانی فرسر  
شرکت دارند.

بروزی متعهد است یکی از  
هنریستانانی که با او کار  
میکنند «یک ایمنووری» است همین  
جهت همیشه فیلمها را که با  
شرکت او ساخته است در ردیف  
فیلمهای موفقش بوده که باز  
در این میان «مرد اجاره‌ای» را  
بیشتر از سایر فیلمهای که با شرکت  
او ساخته است می‌بینند.

## فیلمبرداری

● فیلمبرداری «مرد اجاره‌ای»  
را «فریدون ری‌پور» انجام داده  
است از ری‌پور که کارش را با فیلم  
«میتارها» آغاز کرده است تا  
کنون فیلمهای زیادی دیده‌ایم که  
کوچه مردها یکی از آنهاست.  
ری‌پور چون مدتی است در استخدام  
وزارت فرهنگ و هنر میباشد کسر  
در سینمای ایران فعالیت نداشته  
است ولی چون شروع کارش با  
بروزی بوده و با وی دوستی قوی  
دارد لذا وقتی از وی دعوت  
کرد تا فیلمبرداری «مرد اجاره‌ای»  
را انجام دهد پذیرفت و کارش  
را بنحو شایسته و مطلوب بنا نمود  
رساند.

مرد اجاره‌ای که محصولی  
است از استودیو آری مهرکسون  
آماده نمایش میباشد و زودی در  
برگرفتن سینما های تهران و  
شهرستانها به روی اکران خواهد  
آمد.

با نمایش مرد اجاره‌ای در  
استودیو آری فیلم تازمانی جلوی  
دوربین خواهد رفت موسوم به  
«الجبوب پچهجا» که سناریوی آن  
را جمال امید نوشته است و قرار  
است نتفهای اصلی آرا یک -  
ایمنووری، فروزان، فرشته  
چانی و شیراندلیسی بازی نمایند  
که البته بهنگام خود اخبار مربوط  
به آرا به اطلاع خواهیم رساند.

## رضا میرلوحی

- فکر میکنی با این ترتیب  
موج نوی فیلمسازی چه وضعی  
پیدا میکند؟

● من فکر میکنم اگر فیلم  
سازان جوان باین ترتیب پیش  
بروند، قدیمی‌ها، جوانها را از  
گود بیرون خواهند انداخت. الان  
فضیه خیلی شلوغ شده یک عده با  
مارک جوان کار هالی می‌کنند که  
این کارها باعث میشود که تهیه  
کنندگان از آنها دلبر شوند ولی  
بهرحال در هرچه آمد های فهم  
و خوب وجود دارد، منتهی دید  
نوع کارشان فرق می‌کند.

- سوال آخرم حضورتایت  
از تیلی است ...؟

● از ساختن تیلی خیلی‌روانی  
هست. از تهیه‌کننده هم هرچقدر است  
در اختیارم گذاشت و بطور کلی  
از ساختن این فیلم کاملا راضی  
هستم.



## سینمای کمدی

باشد که از کمین‌های بزرگ و نام آفر سینما می‌توان تهیه نمود. اما متأسفانه باوجود آنکه «سینمای کمدی» منبوه هرستانی این استان های هرمت می‌باشد، همین که سی از آنها گشت با سل تغییر کرد، مورد بی‌مهری تماشاگران و طبعاً فیلمسازان فرار گرفته و روزگار واپسین عمر را در تنگنستی و فقر سپری ساخته‌اند. زندگی‌نامه اکثر این هنرمندان هرکس نقشی که روی صحنه و جلوی دوربین ایفا می‌کنند منحن از درد و آلم است. سالهای آخر عمر را که باید در آرامش و راحتی سپری ساخت بخاطر درآمد کم و نداشتن‌شوهانه و تکیه‌گاه، بعضی از این اسماهای بزرگ و هرمت را وادار به کار درمست‌ترین بارها و کوهپای‌شانه می‌سازد که به عنوان پیک کمدین پیر و پیک دلقک بازشته ایفای نقش نمایند تا روزهای آخرین زندگی را سرای دیگران نباشند. ولی افرادی هم بودند که با اندوختن ثروتی ولو ناچیز، بعد ها در سنین پیری سرپند زندگی کردند و محتاج خلق شدند. بهر حال باوجود هنرمندی‌ها و اثرات دلنشینی که این افراد در ذهن بینندگان نمایان‌شان گذاشته و می‌گذارند، هنوز عده‌ای از آنها را به عنوان «دلقک» و «مقلد» می‌شمارند که این دردآورترین یام آوری از کار هنرمندانه این گروه می‌باشد.

باوجود این، معروفترین فیلم هایی که این جمیت را به‌یادماندنی سینما کشاید و صدای خنده تماشاگران را از ورای دیوارهای قطور به‌میرون فرستاد آنها هستند: اشخاص بی‌بند - زندگی با پدر - نوای موسیقی - لوک تها - شاهزاده دلقک - پرنس و ژر - دریانورد - رام‌کنندگان حیوانات - خیابان آسان - بیش‌افک - سوپ اردک - اتاق سروسیس - سیرک - شادی در ایران - روزی در مسافک جوندگان‌ملا - روشالی های شهر - عصر جدید - ایران اس - دیکاتور کبر - کالی آبلند - جزال و ...

رجسته‌ترین کمدی سازهای

سینما نیز «عکست - فراتک کابرا - اول هانویز - حال روح و ...» می‌باشد که نام «سینمای کمدی» را زنده نگه‌داشته‌اند.

امروزه نیز باوجود گذشت سالها «سینمای کمدی» معبود تمام سینما روهای جهان می‌باشد. ولی «سینمای کمالها پیش یام «کمدی» داشته باسینمای که امروزه «کمدی» خوانده می‌شود، تفاوت‌های بسیاری پیدا کرده‌اند. امروزه «سینمای کمدی» به «دپالوک» فیلم بیشتر گرایش پیدا نموده، در حالیکه در سالیان قبل «حرکت Actian» متخصه اصلی این سبک فیلم بوده است.

در حقیقت سینمای کمیک امروز، سینمای پرچانه‌ای است که به زور بیننده را به خنده می‌اندازد.

کاملترین فیلمهای کمدی امروز، به «جری لوئیس» تعلق دارد که در ورای میمیک چهره و حرکات خنده‌دار، حرکات سریع کمیک را فراموش نمی‌کند. علاوه «سینمای او سینمای روشنگرانه است که می‌توان روی صحنه تعقیق نمود. و همچنین است کمدی‌های «دوالت‌نیسی» که سبکی سطحی و خانوادگی دارند. متأسفانه در سالهای اخیر به پیروی از دیگر گونه‌هایی که در سبک های مختلف سینمای پدید آمده، این سینما نیز دچار تغییر شده و مبدل به پیک سینمای خرافات و مبتذل گردیده است. بهترین نمونه‌اش فیلم های دو کمدین ایتالیایی «دچچو و فرانکو» می‌باشد که باورود خود به حیچه این‌سینما، متداولترین و پرتترین آثار کمدی سینما را پدید آورده‌اند. گشتی است که فیلمهای این دو جانور مسخره طرف پانزده الی یکماه تهیه می‌گردد. مسلماً اگر هرکدام تهیه فیلم تغییر کنند، چون این دو پندیده علم جانور شناسی به آن سرعت نمی‌توانند در نقش خود تعقیق کنند، طبعاً مثل‌مانش حرکاتی ثابت انجام می‌دهند که از فرسوط استعمال دیگر رنگ ساخته است.

به‌رحال آینده «سینمای کمدی» باوجود سابقه‌درخشانی که در گذشته داشته، بخاطر ورود افرادی غیر متعهد چندان روشن نیست. امید داشته باشیم که دوران طلایی این سینما مجدداً احیا شود.

## برنامه امشب قویترین گروه سینمایی پایتخت

اونیورسال - ایران - پاسیفیک - مهتاب - کریستال - تیسفون - ساینفا - پرسپولیس - مراد - موناکو - دریا - کارون - داریوش - آستارا (تجربش)

پروین غفاری  
مرح الوندیس، حیدر کاظمی

ایلویش



اسدالله شاهپور و فرزانه کهنه انگرهاشی  
مکی احمدزاده شوم صابران محمدیان ملین زهری خوشفت ناهدی بهر...



از صبح سه شنبه فقط در سینما

# پارامونت

سکسی ترین ستاره عالم سینما «راکل ولس» در سکسی ترین و پرحادثه ترین فیلم وسترن که تا کنون بر پرده سینما نقش بسته است

راکل ولس، رابرت کالپ، ارنت بورگنلین  
 مه ۱۹۶۹ روزن ورگی

## پادشاه تجاوز

HANNIE CAULDER

پادشاهان پریت کندی

پشت  
 کریستوفر  
 دی تا دورس

برای دزرو بلیط هم‌روزه به گیشه سینما پارامونت مراجعه فرمائید

## فیلمسازی آماتوری

برداشت عمومی (سونا)، نیم بریک - نزدیک و درانت بزرگ بحوی نشان داده شده است (این عکسها گوناوی از سال مندرسه عالی فیلمبرداری شهر دورستونرا نشان میدهد که استاد هم آقای Gasch) برای عدهای آزمائشیه.

جوان دورین فیلمبرداری ۱۶ و ۳۵ میلیتری (آری فکس) را شرح میدهد. برای تمرین و آشنا شدن چشم به تنظیم کادر دوربین برای فیلم ساز آماتور بهترین راه این است که گاهی در عین چشمی دور بین خودش نگاه می‌اندازد و ببیند اینکه فیلمبرداری کند تنظیم کادرها را در صحنه‌های مختلف مورد مطالعه قرار دهد.

عدهای از شوندگان در حال گوس کردن نشسته‌اند.

برداشت نزدیک: همین گونه برداشت نیم نزدیک را در نظر بگیرید که کمی از جلوتر فیلمبرداری شده است.

برداشت خیلی نزدیک: در این برداشت معمولاً اشخاص در فیلم نیم تهِ نشان داده میشوند -

برداشت بزرگ (کلار آپ): در این برداشت فقط صورت سخنران یا یکی از شوندگان در کادر دیده میشود -

برداشت خیلی بزرگ: قسمی از صورت سخنران تمام کادرا فرا میگیرد (مثل چشمها یا لبها در حال صحبت کردن).

در عکسهای شماره ۱۶ تا ۱۹

## ایرج قادری

داشته، فیلمبرداری را تعطیل نموده و روانه تهران شده و بعد از مسابقات مورد نظر به اکتیو در شهرستان ملحق شدم و شاید باین علت باشد که تهیه کندگانی که با من قرارداد می‌بندند تا به خارج از تهران سفر نمایم، سعی می‌کنند که تاریخ اقامت مرا در خارج از تهران طوری تنظیم کنند تا با مسابقات ورزشی مقارن نشده و باین ترتیب کار فیلمبرداری آنها با اصطلاح لنگ نگردد!

در ضمن تا پانزده رفته از سی و چند گل که در فیلم «اتلانت» فوتوله» خورده‌ام نیز یاد کنم و جریان امر از این قرار است که در پانزدهم، من وارد بازی یکمده بیبه قدم و نینفد شده و خود را گلر یکی از طرفین محسوب نموده و نشان بان نشان که بالغ بر سی گل وارد دروازه‌امی که البته مثلا من دروازه‌بان آن باید می‌بودم، نه ...

در اینجا هر دو میزیم زبیر خنده و من که نتیجه‌ای از این دیدار حاصل کرده‌ام، از ایرج قادری خدا حافظی نموده و او را بحال خود میگذارم.

براستی نباید در دلها زنده می‌مانند، من در دنیاوی ورزش می‌باشم، و اما در مورد تیمهای محبوب خود باید بگویم که بسیاری من نمی‌بخشوس بان سورت، مطرح نیست و من به تمام تیمهای ایران علاقمندم و خیلی ساده بگویم که برای من تیم مطرح نبوده و بلکه ایرانی بودن مطرح است و بدین جهت کتیبه تیمهای ایران را بعنوان تیم های محبوب و قابل احترام خود اعلام میدارم.

- آیا تا بحال در فیلمی ایفای رل ورزشکار در عده‌ها برودهای؟

- ورزشکار بان صورت که باید بگویم نه، ولی خوب خیلی‌دم برای یک چنین کاری لک زده است!

- و خاطراتی که در زمان کسار در سینما از ورزش بیاد داری؟

- چه بگویم که جالب باشد مثلا بدون آنکه قصد تظاهری را داشته باشم، تا بحال بکرات اوقاتی که برای بازی در فیلمها، در شهرستانها بر می‌روم، برای دین از نزدیک مسابقات ورزشی کدر تهران جریان

## قالبه حرف میزند

رفته جمعه ادعای ملایلی دارند. دوقدره و خوبپخته موج نو و نیمدر علم کردهاند و کوز و چشم

بسته تحت تاثیر آثار تاریخی نهریسی و آوانکارند غرب به پشتک و وارو زندهای فرمالیستی و پیرامیست ساختنهای بیارزش و پرهیفت پرداختهاند. اینها نمیانداند آن حضری که به پهنبرههای جدید دست مییابد و دنیا را دچار حیرت میکند. کار خود را از طریق آسانگیری و مندرآوردی عرصه نمیکند بلکه از تجربیات درخشان و کارهای ارزشمند کلاسیک خود بهره میگیرند و سود میرند و در واقع مربع بولک چیست که انجیر حلالی باد، و اما در میان این دو سته که ذکرشان رفت یکمنه آدم سومی و معتقد و با صلاحیت هم پیدا می شوند که اغلب منتشان کوتاه و خرمای سان برخیل است.

● راجع به برنامه های تاریخی این فصل چه نظری دارید ؟  
آزادی: مناسبات مرور برنامه های تاریخی این فصل مانند سایر فصول مایه یاس و بومیست.

تاثیر دانی شهر از کم کاری و نهیمنی بهانه ای چون سده زبانی از نامانگران محترم تقاضا نموده اند که بنده و شما بخوش میانه می نمودند. برنامه های رها و رو رفته خود را تکرار می کند. آثار های آماتور را هم می در ده تاثیر وایسته برده بحال نیاروم هر چند به آن خیلی جدی میاندمی. البته در کوه و کنار از جمله دانشگاه هم فعالیتها هست که هر چند اندک و نسبی است ولی بدون شک برین تاثیر خواهد بود.

● درباره سینمای ایران بویژه در چند سال اخیر چه نظری دارید ؟

آزادی: تلفیق هنر و تجارت کار بسیار دشوار و حساسی است که بدانش اجتماعی، مردمشناسی، تسلط تکنیکی، روانکاری و به نوبت قریحه و مغزی فعال نیازمند احتیاج دارد. متأسفانه در سینمای ایران و در این استراخ پیوسته تجارت برهنه پیش گرفته است. ولی طبع سال اخیر سینمای ایران دست از آستین درآوردند که کمی بیش معیارها را حتی در مردمی-ترین نماهای فیلم ایرانی حاجبا

آدمکی کامل داشته باشد و این جز از طریق کار مداوم و مستمر سعید نمیگردد. وانگهی چرا می نباید این اجازه را داشته باشم که میبند های مختلف (تولیزویون، تاتر، سینما) خود را به آزمایش بگذارم. ولالافن یکسبک تجربه میبردم. شما اینستنه دوستان شاید بیاطلاع هستید که مثلا برای بازی کردن تپ «قالبه» در سینما چندستندهای قابل توجه و چه قراردادهایی فریبدهای هم پیشنهاد شده کشفصفا یا بعثت غم صلاحیت هنری پیشنهاد شدهگان و یا بعثت اینتکه نتوانستام در قالبی خاص آنگذرد شوم آنها را رد کردم در حالیکه هیچوجه از مصرف کردن «فورس-مونتاز» و محصولات «کریستیان دیورا» متنفر بوده و بیست !!

● راجع به آثار ایران چه نظری دارید و موفقیت، فعالیت و ارزش کنونی آن چگونه و چگونه است ؟

آزادی: بیخ و بزمهای اداری، کمبود سان و امکانات، لولوی سرخرمی بنام سانور، نتوقشدن جریانات مایه ای در پشت میز ادارات و اطافهای شورا، کمبود نمایش نویس و کارگردان پس صلاحیت و خلاق، سیادان و شکارچایی مثل سیما و تلویزیون محسوبا و بطور کلی بیسازگاری هستند که بیکر تزار ورنک باعث وبسیرنه تاتر با راست آزار میدهند ورنجورزش میازند.

عندای باسطالاح پیشکوت وکنکیر به دیک خورده وسال گردن تاتر این ملکند شدهاند که بنده پیشنهاد میکنم بخاطر حمایتان هزاران مدال و ستنگا و تقدیر-نامه و مستیری تقدیمشان کنند ولی اجازه ندهند با دانش اندک و افکار منحصر و فرسوده خود همچنان تاتر آپکی شهرتالیستی نابورالیستی جبق قلیایی خود را به اندکسالن-های این شهر و نامانگران بیبناه رورچیان کنند.

عده دیگری هم نازه از راه رسیده و از مول حلیب در دینک افتاده پیداشدهاند که شهرتالیستیک

## بقیه موزیک

### خرم و «جنگجویان کوجولو»

● علامالله خرم بسیاری ساختن موزیکمنت فیلم «جنگجویان کوجولو» که بزودی جلوی دوربین فیلمبرداری میروند انتخاب گردید و چند روز پیش، با خرم با عهده

کردند و غبار را از آینه هالودند. ایران این نحو و استحال را باید در توجه تهیه کنندگان به عواملی آگاهتر و جوانتر که می توانست خون تازه ای برنگی فیلم ایرانی برساند دید.

● مینوای از افرادی که در این تغییر و تحول نقش موثری داشته اند میبری ؟  
آزادی: البته تعداد آنها زیاد نیست ولی وجودشان مایه امیدوارست. ازین آنها مینوام از غفاری، کیمیائی، گلستان، حاسی، مهرجویی و مقدم نام ببرم.

● برای آینده چه برنامه های در پیش دارید ؟  
آزادی: اگر بتوانم کنار

مستر و دلخواهی در تاتر داشته باشم مطمئن باشم گوشه چشم را از سینما و تلویزیون خواهم برد. سینما برای من جداییت فوق العاده ای سارده ولی دور از تاتر مینوامم چه از نظر مالی و چه از لحاظ بازیگری از آن برکار و به نیاز بمانم. از همان پیشنهادت زبانی که در این زمینه داشته ام فعالیت در سینما را به پیشقدم بکنی اعلامی حاسی و دیگری با گلستان. کار

تلویزیونی را ادامه میدهم و شاید بزودی در دانشگاه تهران نمایش بازیگری رایازی کنم. ضمنا علاوه بر بازیگری کارگردان بعضی از قسمت های سرکار استوار هم هستم و قرار است کارگردان یک سری تاتر تلویزیونی هم باشم که اولین آن قماربازان است. فعلا نمایشنامه ای که در دست دارم «ناپرهیزی» نام دارد که بویژه سیاد و توران مهرزاد هنرپیشگان اصلی آن هستند و در عین حال اگر فرصت و موقعیت مناسب پیش آید برای بروی خود فیلم بردن نمایشنامه «مناظر» بر نوشته اش «ژان آونی» هم درخیزی کرده ام.

پایان

و عارف مذاکرانی عمل آورد و دو سراسنه که خرم آهنگ آنها را می سازد به صدای آنها شمشیر و در مراحل قرار است که خرم یکی دو خواننده دیگر را نیز برای اجرای ترانه های دیگر که قرار است در فیلم «جنگجویان کوجولو» مورد استفاده قرار گیرند دعوت نماید.

## دومین فستیوال ایرانی مددر هتل آریا شرایتون برگزار شد که مزون های مختلف در آن شرکت کردند.



● مهردادین

در این فستیوال هفت زوری در دو قسمت اظهار نظر کرده و خام میتر خیلشان از بزون سوگی در قسمت طراحی و دوخت لباس زنان برنده اول فستیوال شد این مزون دارای دو قسمت یکی طراحی و دوخت و دیگر آرایش است. لیلیانها که در مزون سوگی در فستیوال مد برنده شد عبارت بودند از: تکمال شهرزاد - بی بی - قسه عشق و مهردادین لیلیانها همه از بارچه ایرانی دوخته شده و کستر از هفت روز برای شرکت در فستیوال آماده شده بودند.

تاگفته نماند که آرایش مالکن-های فستیوال نیز در مزون سوگی انجام گرفته بود.

# آخرین نبرد

## جنجالی ترین فیلم حادثه آفرین

### ایرانی به روی اکران میآید



تا اخیراً پاریدگر قسمتهای باقیمانده تهیه شد و این فیلم چندی قبل آماده ساخت گردید که از این هفته به روی اکران میآید.

از حادثه ختنه امثال نارید که در اتومبیلی که قرار بود آتش بگیرد و بعد از سقوط نماید بازند و مرحوم کاظمی که بدون آن نشسته بود با تمام تلاش که ایلوش برای نجاتش کرد متأسفانه نجات پیدا نکرد و در میان شعلههای آتش جان سپرد.

فیلم آخرین نبرد را مستندساز محترم رژیور قدیمی نشان که از سال ۱۳۳۰ با کارگردانی فیلم «منهدم کننده» با شرکت مرحوم «فکری» رما کریمی، مرحومه معصومه خاکباز، علی تاش و شهسوری کارش را در زمینه کارگردانی فیلم آغاز کرده است کارگردانی سوده از فیلمهای دیگر مستندساز میوان «گنگنه» با شرکت هایده - محمود زادگان و هنر خدایری



● «امیر» ایلوش جوان رحمتکن و پر تلاشی است که از راه کارگری زندگی خود و مادر پیرش را تأمین مینماید. او همیشه آرزو داشته تا روزی «کشتیگیر معروفی» شود و روی همین علاقه و آرزوی یکی از پاشگاههای ورزشی میروند تا زیر نظر مربیان مربوطه فنون کشتی را بیاموزد. چون هدف امیر آرزوی نحت رسیدن بمقام قهرمانی بوده است لذا در پاشگاههای از کشتی گیران

علاقه خود «امیر ایلوش» ازدواج کرده است و در انتظار فرزندی از اوست.

امیر در یکی از کشتیهای خود که میخواست پنت حریف دریهانش را بچاک بکشد بوسیله افراد دست شانده حریفش در روی تشک کشتی از ناحیه پا به سبب مشروب میشود و دکتر معالج از آن پس او را از کشتی منع مینماید و قشکه فرزند امیر بدینسان میباید بخاطر ناراحتی طب بیمار

در خور توجهی دریافت خواهد کرد و این بولی است که بوسیله آن امیر میتواند پیرش را برای معالجه بخارج ببرد.

لذا با وجودیکه دکتر او را از کشتی رخصت داشته او بخاطر نجات فرزندش حاضر «پوشه این کشتی را که در واقع «آخرین نبرد» اوست برگردانید و ... «اجرای جانی بوقوع میپیوندد» که بهتر است بهنگام نشانی فیلم آنرا مشاهده نمائید.

این خلاصهای بود از سوزی جناب فیلم «آخرین نبرد» که ساریسوی آسرا هنگام ما «رضا» «نشاندهان» نوشته است. آخرین نبرد دو سال پیش جلوی جلوی دوربین رفت ولی متأسفانه بخاطر حادثهای که بهنگام تهیه سحنای از آن بوقوع پیوست و در اثر آن منجر بپرکشتی از باریکران فیلم «مرحوم کاظمی» و بسیاری شدن بازیگر نحت آن «ایلوش» گردید. مدتی فیلمبرداری آن متوقف افتاد



است و چند سال بعد دکتر دستور میدهد هرچه زودتر او را برای معالجه بخارج ببرد و این امر خرج زیادی برای امیر در بر دارد که او قادر بر پرداخت آن نیست.

در همین ایام یک قهرمان معروف خارجی به کشور میآید و پاشگاه دعوت کننده اعلام مینماید اگر قهرمانی بتواند پش این قهرمان معروف را بچاک برساند جایزه نقدی

حرفهای که کرم با پشکار او موقعیت خود را در خطر مینماید شروع به مخالفت با او مینماید و طی نوشتههایی میخواهند او را از میدان بدرنمایند و در این میان زن «برون فغاری» که در کاپاره کار میکند و با یکی از کشتیگیران «مانشچیان» دوستی دارد مامور آلوده کردن امیر میشود و این هنگامی است که او با دختر مورد

# گزارش فیلم

از: ایرج صابری

● دوستان «جمشید اکرمی» به جهت اختلالات تحصیلی، چند هفته‌ای قادر نخواهند بود که «گزارش فیلم» بنویسند و همین جهت از «ایرج صابری» خواهش کردیم که جور ایشان را بکشد!

## شاهد جنایت

کارگردان: نادین مارکان قرنتینیان



● هوزر خاطر و مهرآلود و شیرین بخشین فیلم «نادین قرنتینیان» (عشق من، عشق من) را از یاد نبردم و این انگیزه ماسی است تا بطور خیلی خوشبینانه و امیدوار بنیاد شاهد جنایت» دومین فیلم او بشنیم.

«شاهد جنایت» از طرازی نادرانه و شکننده و حساس برخوردار است و تمام فیلم سری است. رموز برپهنای ترین و ناشناخته‌ترین خط مری که می‌توان بین واقعیت و خیال کشید.

ساعت فیلساز برای تجسم ذهن گاهی کاملاً احساس‌انگیز است چرا که او تنها سراغ صحنه‌های سوررئال نبرود بلکه بیشتر از

ماتریال کتب میگیرد - بطوریکه نشانگر هیجوت نمی‌تواند بنود بقولاند که آنچه می‌بیند واقعیت امر است یا اینکه محصول ذهن کاراکتر «ژان لوئی ترنتینیان» می‌باشد و یا اینکه آیا او درخودکنی (یا مرگ) دختری که در اوایل فیلم در حادثه سقوط اتومبیل بقتل میرسد سخات داشته و یا اینکه فقط نشانگر بوده است - و یا اینکه آیا او واقعا «فلوریدا» را بقتل رسانده است یا نه؟

باین ترتیب هیچ بعید نیست اگر بگوئیم شاید حد نفر پس از مشاهده این فیلم دارای استنباط متفاوت باشد بنابراین چه مشکل خواهد بود کار نشانگری که بخواهد آنرا قضاوت نماید چون آنچه را که او بعنوان سنجش فیلم بیان کند در واقع چیزی نیست جز قضاوت و معرفی خودش چون باین ترتیب درجه‌ای از ذهن خود را گشوده است. همانطوریکه در مواجهه با قطعه نثری ناب به‌چنین اجامی دست می‌یابیم.

● مادی‌ترین تصویری که می‌توان از تم فیلم داشت نیل به نقطه انحصاری است که محصول نوعی رقاء در زندگی امروزی می‌باشد.

با معیارهایی که در مورد سنجش جنون و کمال عقل در دست داریم و از قبل سنجیده و مشخص شده است نمیتوان قهرمان فیلم را محدود نمود و شاساند - بنظر میرسد که او به آگاهی‌هایی ناشناخته و رموز دست یافته است و این موجب کنده شدن او از زندگی متعارف میگردد و بین او و دیگران فاصله می‌اندازد.

او برخلاف قهرمانان «آنتونیونی» بدنیال تفاهم نیست، بلکه در سنججوی خودش هست و او میخواهد بداند که تا چه حد درخودکنی دختری جوان که انگیزه‌مناخارش برای ما مجهول است سخات داشته و با معرفی خود بعنوان قائل در واقع میخواهد جامعه‌ای را متوجه‌مسئولیت جانی نماید که فکر می‌کند تمام اجزای آن جامعه در اجرائش سخات داشته‌اند.

او با محاکمه نمودن خود، میخواهد جامعه را به مسئولیت فکری خود نزدیکتر نماید.

در اینجا است که به واخوردگیهای اجتماعی برمیخورد و متوجه میشویم که تمام توجه به «قائل» است نه به «مقتول» و هر یک سعی می‌کنند تصویری از قائل را ترسیم نمایند و موردی برای اظهار سبائی باو پیدا کنند و این کجرویها او را جبری می‌کند که حاصلش تفری است صیان زده نسبت به جامعه و ما نشانه‌های آشکار آنرا (مثلا و مخصوصاً) در مناخره وی در کافه بهنگامی که متغول‌نوشتن است می‌بینیم مخصوصاً که اسرار دارد تا باو دست نزنند و آخرین نظایر این روحیه او کشتن «فلوریدا» است - دختری نیمه‌عرجائی که فارغ از هرگونه مسئولیت اخلاقی و اجتماعی است.

قدرت فیلساز در تصویر نمودن آن نیروی شریر مجهول که در نهاد هر کسی نهفته، تحسین‌آمیز است - بخصوص که مراحل تظاهر این نیرو را کاملاً مجسم می‌نماید.

اگر برای سینما وظیفه‌ای غیر از داستانگوئی و حادثه‌بپردازی قائم پس بنابراین مشاهده این فیلم یکی از واجبات است. هتداری فیلم واقعا هراس‌انگیز است و خبر آن مربوط میشود به وجود خلاه عاطفی در میان جامعه‌ای که عشق را از یاد برده است و مسیح زمان ما (با توجه به حرکات دستهای ژان لوئی ترنتینیان در مقابل آینه) برای بیداری این جامعه بجای زنده کردن مجبور میشود آدم بکند و آبا محازات او رسنگاری آدمها را بدنیال خواهد داشت؟ فیلمهای «عشق من، عشق من» و «شاهد جنایت» فیلساز با ارزشی را با معرفی می‌نماید که سبائی استثنائیش تجربه‌ای است نو درتجسم ذهن و اندیشه.

# قوزک‌پا

## کارگردان: کی‌کازاری



● هورست ووهولتر در صحنه‌ای از «قوزک‌پا»

تمام کوشش «کی‌کازاری» در این فیلم متوجه این بوده که روحیه‌ای لطیف و زنانه بر تمام ماجرا حاکم باشد تا از این طریق فیلم به آتمسفر خاص نوشته‌ی «آلترین سارازان» نزدیک‌شود. روی این نظر قبل از اینکه حوادث نمودی داشته باشد عشق و رابطه عاطفی «آن» نسبت به «ژولیان» چشم‌میخورد و فیلماسز در اجرای این منظور خود موفق بوده است. «ژن» را در نخستین صحنه‌های فیلم تشنه محبت می‌بایم و رابطه غیر متعارف او با ریفیه هم سولوش آتندر تلطیف شده است که قبل از اینکه مبین تمايلات غیر عادی او باشد، روحیه حساس و محبت طلب ویرا نمودار می‌یازد - سپس او ضمن ملاقات با «ژولیان» تمام وجود خود را با تقدیم می‌دارد.

دلبستگی دوازده‌لست بهم پیشاپیش خبر از ناگامیها میدهد و این عشق آندو را رفتارکنیز می‌سازد که در ضمن میتواند ادعا نماید هم بر علیه قراردادهای متداوله اجتماعی باشد.

فیلماسز از شکستگی قوزک پای «آن» استفاده سمبلیک می‌نماید و باین طریق وابستگی و اسارت ابدی او را در نوعی زندگی محدود دانسته، نشان میدهد.

بطوریکه «آن» در مرکز ناپرمای از حوادث و آدمیها قرار می‌گیرد - گوش این اسارت او خالی ابدی و اجساری دارد و گریزی برای او نیست و هنگامی که او بر علیه تقدیر وجیر طبیعت برمی‌خیزد و تصمیم می‌گیرد که از زندان بگریزد در نتیجه سقوط از بالای دیوار محبای او می‌تکند و باین طریق، وسیله و فرار از او گرفته میشود و بتکلیس اسیر فضائی بسته و محدود میگردد - از طرف دیگر در مقابل این اسارت حسمی به عشق ژولیان، برمیخورد و زندان دیگری از نظر عاطفی برای او گشوده میشود. و در آخرین لحظه گریز و بدست آوردن سلامت خود پناهگه‌اش قاش میشود و محسدا گرفتار پلیس و زندان میگردد فیلماسز با نیت نمودن تصاویر «آن» و «ژولیان» در مقابل هم باین اسارت رنگی ابدی می‌زند.

فانتالیسم موجود در این ماجرا قبل از اینکه عقیدتی باشد رنگی از واقعیت دارد - بخصوص اگر قبول کنیم که «قوزک‌پا» سرگشت واقعی نویسندگش «آلترین سارازان» است.

«کی‌کازاری» رومانسیستوار به رابطه و پیوند عاطفی ایندو دلشاده توجه میکند و از این «نظر فلسفی بین کتاب و فیلم ایجاد می‌نماید» و فیلم لحظات زنده و باطراوتی از این نظر دارد که از آن جنبه میتوان به صحنه عشق‌آمیزی آنها در انومبیل و در زیر باران اشاره نمود.

در خانه باید گفت که فیلماسز با برخورداری از قدرت کم نظیر «ماران ژور» به لمس نسبتا دقیقی از روحیه زنی عاشق ولی بازنده نایل شده و مهم‌اینکه دربارگونمون آن هم موفق‌گفته است.

## درشگه‌چی

### کارگردان: نصرت کریمی

با فیلم «درشگه‌چی» متوجه شدیم که تا چند سینه‌ای ایران‌در شناخت لحظات آشکار زندگی و روحیه ما ناتوان بوده و فاسله‌ای که بین محتوای فیلمها و واقعیت‌های زندگی رایج ما وجود داشت قبل ازحی موارد تکنیکی مشکل بزرگ سینه‌ای ایران بوده است چه سرشار بودن فیلم از زندگی ملموس خیلی راحت مقادیری از ضعف را می‌پوشاند.

امتیاز برجسته کار «نصرت کریمی» در این فیلم و «مطلوب» لس این‌چنین لحظاتی است (برس‌خورد و نزاع - انتظار زبانه‌منطرب و نگران در کوچه و آمدن غلامی و مرتضی) کریمی خیلی آگاهانه به شکار چنین لحظاتی می‌نشیند و آرا خیلی خوب و رسا روی‌بوار سلولوئید پیاده می‌کند و می‌بینیم که تمام فیلم براساس این نوع برخوردها و گفته‌ها و طرز تلقی‌های خاص و عامیانه باشد است و توفیق خاصی فیلم هم مربوط است باین لحظات و هنگامی که کریمی جدی میشود و لحن دراماتیک اختیار می‌کند. فیلم کاملا افت پیدا کرده و از اوج خود پائین می‌آید - مخصوصا میتوان از صحنه‌های اختتامیه فیلم نام برد که با آیکویت مسوم ظاهرا فسد داشته لحظات اضطراب‌آلودی را نشانهای میدهد.

بطور کلی جسم و آوردن تصورات «مرتضی» در این صحنه و صحنه‌های دیگر از لحظات تصویب و نامتداول فیلم محسوب میشود که با برداشت کلی و روال طبیعی آن منافات غیره قابل‌تصوری دارد. باین جور برداشتی تفاهم «مرتضی» با آدمهای کوچک و خیابان که هم مورد پذیرش وی بعنوان «شوه‌ر نه» کاملا قابل‌بیش بینی است و یادآوری‌های بیش از حد حسایگان در مورد فداکاری غلامی در نجات دادن «کریست» السادات از آتش همانقدر از ظرافت بدور است که صحنه‌های برخورد «مرتضی» با آدمهای کوچک و خیابان که هم بنوعی بیکوکت از «شوه‌ر نه» بد می‌گویند و در انشوردها خاص می‌بینیم که تمام‌بله‌ها بطرز بیکوکت، تکراری است ولی این منفعا را از «کریمی» می‌پذیریم چرا که کار انحرافه نوعی است در سینه‌ای ایران و هنوز حالت آزمایشی دارد و اپکاش که سینه‌ای ما باین چنین لحن و روحیه و محتوای متداوله میشد.

بازهای «نصرت کریمی» و «شهلا» از امتیازات درخشان فیلم محسوب میشوند.



منتقدین فیلم اروپا

## «داریوش مهرجویی» را يك فيلمساز

لانگلو «نویسنده معروف فرانسوی»: کشف امسال فستیوال کان ما را وامیدارد تا نگاهمان را به تهران بدوزیم البته نه بخاطر سفر نیکون، بلکه بخاطر فیلمسازی جسور و متفکر فیگارو «روزنامه فرانسوی»: علی نصیریان و عزت‌اله انتظامی بازیگران فیلم «پستی» نشان میدهند که بازیگران طراز اولی هستند اسپووار «روزنامه بلژیکی»: مهرجویی با وجودیکه سینما را تحصیل نکرده است، بر بسیاری از فیلمسازان درجه يك جهان برتری دارد.

او «هالو» در جشنواره مسکو به نمایش درآمد و يك پلاك طلاييزه گرفت.  
کشف امسال فستیوال کان ما را وامیدارد تا نگاهمان را به تهران بدوزیم البته نه بخاطر سفر نیکون بلکه بخاطر فیلمسازی جسور و متفکر.  
(مهرجویی) در فیلم خود

کان «داریوش مهرجویی» سازنده فیلم ایرانی «پستی» است. «پستی» که اینک هربد در «باله دونایوانی» پاریس نمایش داده میشود، آرتیست ممتاز و دیپلومی. این سومین فیلم مهرجویی است. فیلم قبلی او «گاو» در فستیوال ۱۹۷۱ ونیز برنده جایزه جمع بین المللی منتقدین فیلم گردید و در همانسال فیلم سوم

انتخاب شده بودند، توانست در شمار سه فیلم برگزیده‌ای باشد که منتقدین فیلم در پاریشان به تفصیل بحث کرده‌اند.  
«ژرار لانگلو» نویسنده معروف فرانسوی در مقدمه گفت: «وگوتی با مهرجویی برای مجله «ادبیات فرانسه» نوشته است: کشف بزرگ امسال فستیوال

● فیلم «پستی» ساخته «داریوش مهرجویی» که در «هفته کارگردانان» آخرین فستیوال جهانی کان به نمایش درآمد با اقبال همه جانبه منتقدین فیلم اروپا روبرو گردید.  
این فیلم در جواز ۳۳ فیلم دیگر که همه از میان ۶۰۰ فیلم برای نمایش در هفته کارگردانان



● داریوش مهرجویی



● انتظامی و احمد رضا احمدی در صحنه‌ای از فیلم پنجه



● علی نصیریان و زلالسام در صحنه دیگری از پنجه ساخته‌ی نازه «مهرجویی»

## متفکر میدانند.

«پنجه» جریان زندگی و وضع دنیای سوم را با آتکارا نشان میدهد.

فیلم او، قصه‌ایست که بی‌شکل حاد سیاسی بخود گرفته‌است. فه‌رمان این فیلم منظر محدودیت‌های انسانی و اجتماعی‌است همان‌گونه که فه‌رمان «گاو» بود.

سائور در ایران سخت‌گیر است. اجازه نمیدهد کسی مسائل مذهبی و سیاسی در فیلمها مطرح شود و همین‌جهت فیلمسازان ایرانی، به قصه‌های رمانتیک و احساساتی روآورده‌اند. در سالیهای اخیر چند نفری که از میان آنها «داریوش مهرجویی» همین‌جهانی بافته‌است سعی دارند صدای تازه‌ای در سننای کهن‌زبان باشند.

«زرار لانگولوا» سپس به

کنت و گو با مهرجویی پرداخته و برسیده‌است؛ در فیلم پنجه‌ساله پروش گوستندرا در مقابل پروش حوگ گارائنده‌اند! آیا در اینجا به گرسنگی در جهان سوم اشاره کرده‌اند؟

مهرجویی - این نامی آنچه که میخواستام بگویم نیست. من به دوگانگی در انسان توجه دارم کوسفند در این نمایش خصوصیات مثبت و ارزش‌های انسانی‌است و این البته ریشه تاریخی و مذهبی هم دارد.

«خوگ» که از آغاز هم حیوان خوش آیندی نبوده‌است و امروز باک مفهوم سیاسی هم دارد و می‌بینیم که در آمریکا به ایران پلین می‌گویند «خوگ»؛ درمقابل کوسفندا قرار گرفته‌اند. در

«پنجه» فه‌رمان میان کوسفندا و خوگها گرفتار شده‌است. او که بوسیله دیگران منحرف شده ناگهان خود برحانه انفجاری میرسد. او اسیر ارزش‌های مادی‌است و آنرا بصورت سمدیابک، در بلطف‌های بخت آزمایی نشان دادیم.

این همه آرزوهای یهودنمای‌است که سینه‌های سرمایه‌داری و امپریالیست‌ها القا میکند. در پایان ایام و قس زن پنجه با او بخت می‌کند. وی دچار احساسات بترنوشانه میشود و با میخیزد و مطمئنان می‌کند و به گروه کوسفندان واقف می‌بویسد.

روزنامه‌معتبر «لیگارو» بوقت است. اسامی در هفته‌کارگردانان فیلم ایرانی «پنجه» ساخته

داریوش مهرجویی که از او فلا فیلم «گاو» را دیده‌ایم نمایش دادند. این فیلم سرگشت مریدت که در روابط زناشویی ناتوان است، برای یک داماد کار می‌کند، و درخین حال خوگچه هندی یک دامیرکت است.

سازوبی این‌فیلم از ارزش‌های مثبتی برخوردار است و شرایط انسانی را در مقاله بسا امپریالیسم نشان میدهد. وی همچنان گرفتار این سنن شده که نتواند خود را رها کند. او باید تنها مبارزه کند و این کوشش او را به نسیم بودن و ایستاد واقعی مکنشاند.

علی نصیریان و تران‌الله انتظامی بازیگران این فیلم نشان نده در صحنه ۳۹

بچه‌ها بستنی

**پاک**

داروی دست  
میبرند



بستنی پاستوریزه **پاک** تهیه شده در شرکت سهامی لبنیات پاستوریزه پاک